

Ardebil's Cultural Situation Based on Biographical Figures from the Early Centuries to the Tenth Century

Fateme Jafariya*

Assistant professor of History, University of Payame Noor, Tehran, Iran. dr.jafariya@gmail.com

With the entry of Islam into Iran for about two centuries, Iranians did not have much role in political and administrative relations, but with the arrival of the Abbasids, the Iranian influence in the political and cultural arenas was emerged. The Iranian employment of the scientists from the very beginning, on the one hand, and the attention of the caliphs to the religious education of the people of the lands that were flourishing from the beginning of the conquests on the other hand, led to the spread of religious sciences in Iran. Science was the first means of communication for Iranians to participate in the Islamic government. Iranians played a significant role during the formation of Islamic civilization and, of course, along with other peoples and nations. Meanwhile, various regions of Iran, including Ardebil, based on the political-cultural conditions, have influenced the formation of Islamic civilization. According to the author of the paper, by investigating the biographies of Ardebili scholars, one can find that the scientists of Ardebil were in the flourish of a bunch of sciences. Also, the strategic situation and political events in the region, as well as the lack of dynamism and prosperity of Ardebil scientific centers, have affected the cultural situation in the region. The result shows that the scientists of the region have had the most activity in the field of Islamic sciences, especially mysticism and hadith. Also, due to the political instability and lack of dynamism of the scientific centers of the region, many Ardebili scientists have migrated and the scientific centers of the region have not been much considered by scientists in other regions.

Keywords: Ardebil, Mysticism, Hadith, Biographical, Islamic Sciences

* Corresponding author

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم
شماره دوم (پیاپی ۳۴)، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۶۷-۱۴۱
تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۹/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۶

وضعیت فرهنگی اردبیل بر اساس تراجم رجال از قرون نخستین تا قرن دهم

فاطمه جعفرنیا*

چکیده

با ورود اسلام به ایران، برای حدود دو قرن، ایرانیان در عرصه مناسبات سیاسی و اداری نقش چندانی نداشتند؛ اما با روی کار آمدن عباسیان، زمینه برای نفوذ ایرانیان در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی به وجود آمد. اشتغال ایرانیان به علوم از همان ابتدا از یک سو و توجه خلفا به آموزش دینی مردم سرزمین‌های مفتوحه از آغاز فتوحات از سوی دیگر، انتشار علوم دینی را در ایران باعث شد. علم اولین وسیله ارتباط ایرانیان برای مشارکت در حکومت اسلامی بود. ایرانیان در جریان شکل‌گیری تمدن اسلامی و البته در کنار سایر اقوام و ملل، سهم درخور توجهی ایفا کردند. در این میان، مناطق مختلف ایران از جمله اردبیل، به فراخور وضع سیاسی فرهنگی، در روند شکل‌گیری تمدن اسلامی تأثیرگذار بوده‌اند. به باور نگارنده، با بررسی تراجم علمای اردبیل، می‌توان دریافت که دانشمندان اردبیل در بالندگی دسته‌ای از علوم سهیم بوده‌اند. همچنین موقعیت استراتژیک و حوادث سیاسی منطقه و نیز پویا نبودن و رونق نداشتن مراکز علمی اردبیل، بر وضعیت فرهنگی منطقه تأثیرگذار بوده‌است. نتیجه مبین آن است که دانشمندان منطقه بیشترین فعالیت را در حوزه علوم اسلامی، به‌ویژه عرفان و حدیث داشته‌اند. همچنین به علت نبود ثبات سیاسی و پویا نبودن مراکز علمی منطقه، بسیاری از دانشمندان اردبیل اقدام به مهاجرت کردند و مراکز علمی منطقه چندان در کانون توجه دانشمندان سایر مناطق نبود.

واژه‌های کلیدی: اردبیل، عرفان، حدیث، تراجم، علوم اسلامی.

* استادیار تاریخ دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، dr.jafarniya@gmail.com، نویسنده مسوول

مقدمه

از مناطق مختلف بود. علاوه بر آن مناطق مختلف ایران، به فراخور اوضاع سیاسی اجتماعی، در دوره‌های مختلف ایفای نقش کردند. با نگاهی به تراجم علما و رجال هر منطقه در قرون مختلف، می‌توان از سویی حوزه فعالیت‌های علمی و از سوی دیگر، وضعیت فرهنگی هر منطقه را متأثر از تحولات سیاسی بررسی کرد.

در این پژوهش قصد نداریم تا نگاه قومی، نژادی و منطقه‌ای به تمدن اسلامی داشته باشیم. هدف از این پژوهش آن است که با رویکردی جدید به تراجم علما و رجال اردبیل، با حوزه فعالیت علمای منطقه و تأثیر حوادث سیاسی بر وضعیت علمی اردبیل آشنا شویم. فقدان متون تاریخ اجتماعی و فرهنگی به صورت ویژه و مستقل از ادوار گذشته تاریخ ایران، ما را بر آن می‌دارد تا با استفاده از مآخذ دیگر این کمبود را جبران کنیم. یکی از بهترین مآخذ برای این کار، آثار تراجم و شرح حال‌نگاری است (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱). در وضعی که کتب تاریخی به‌طور عمده، ناظر به تاریخ سیاسی است، با پژوهش در تراجم رجال می‌توان میزان تأثیر هر منطقه را در توسعه و تکوین تمدن اسلامی روشن کرد. کتب تراجم علاوه بر آشنایی با مشاهیر، می‌تواند به شناخت وضعیت علمی و فرهنگی مناطق مختلف اسلامی یاری رساند.

از نظر پژوهشگران غربی نیز، پژوهش‌های زندگی‌نامه‌ای کمک موثری به درک تغییرات عمده اجتماعی می‌کند. از نظر آنان، هدف از مطالعه زندگی‌نامه‌ها به دست آوردن درکی از زندگی و تجربیات افراد در زمینه تاریخی اجتماعی است (Snowman, 2014: 53). برخی پژوهشگران روش‌هایی همچون روش واقع‌گرایی، روش نئو مثبت‌گراها و روش روایی واقعیت را برای مطالعه زندگی‌نامه‌ها مطرح کرده‌اند. ضمن آنکه ترکیبی از این روش‌ها می‌تواند وجود داشته باشد. در پژوهش‌های زندگی‌نامه‌ای، موضوعات معرفت‌شناسی و

با آغاز فتوحات مسلمانان و ورود اسلام به مناطق مختلف، از جمله سرزمین ایران، تاریخ و تمدن ایران وارد مرحله جدیدی شد. از نظر سیر تاریخی، ایرانیان در دوره خلفای راشدین (۱۱ تا ۴۰ ق/ ۶۳۳ تا ۶۶۱ م) دچار نوعی بهت‌زدگی ناشی از فتوحات گسترده اعراب و سقوط امپراتوری ساسانی شدند. در دوره اموی (۴۰ تا ۱۳۲ ق/ ۶۶۱ تا ۷۵۰ م) نیز، تنها در لایه‌های میانی و زیرین نهادهای سیاسی و اداری به خدمت گرفته شدند. اما با روی کار آمدن عباسیان، از یک سو ایرانیان خود باوری خود را بازیافتند و از دیگر سو، عباسیان به پاس خدمات آنان، مناصب و مقامات مهم را به ایشان سپردند و زمینه نفوذ همه جانبه آنان را فراهم کردند. در عصر اول عباسی یا عصر زرین تمدن اسلامی، خلفای عباسی در کارهای حکومتی خود بر ایرانیان تکیه می‌کردند و این به معنی گسترش فزاینده فرهنگ ایرانی در این عصر، در مقایسه با عصر اموی، بود. در ادامه، ایرانیان موجب رشد انواع دستاوردهای ادبی و علمی شدند که به زبان عربی توسط آنان به نگارش درآمد.

ایرانیان از همان عصر صحابه، به علوم اشتغال داشتند و در آغاز فتوحات، خلفا دانشمندان عرب را برای آموزش و آگاهی دینی مردم سرزمین‌های مفتوحه می‌فرستادند (عبدالمعطی الصیاد، ۱۳۷۳: ۷۳). به واسطه همین معلمان، علوم دینی در ایران انتشار یافت. در جریان شکل‌گیری تمدن اسلامی، ایرانیان نقش درخور توجهی ایفا کردند (عبدالمعطی الصیاد، ۱۳۷۳: ۷۴). البته در کنار ایرانیان، سایر اقوام و ملل نیز سهم بودند. حضور علمای مسلمان، فارغ از هر نژاد و قومیت، تمدن اسلامی را شکل بخشید (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۳۱). به نظر نگارنده، تراجم دانشمندان مسلمان در علوم مختلف نشان‌دهنده این امر است. آنچه به نام تمدن اسلامی شهرت یافت، محصول اندیشه و فکر دانشمندان مسلمان

تالیف رسول جعفریان (۱۳۸۹): نویسنده در مقدمه به این مطلب اشاره می‌کند که فقدان متون ویژه تاریخ اجتماعی و فرهنگی به صورت مستقل از ادوار گذشته تاریخ ایران، ما را برآن می‌دارد تا با استفاده از مآخذ دیگر این کمبود را جبران کنیم. یکی از بهترین مآخذ برای این کار، تذکره‌های شعرا و به‌طور کلی، آثار تراجم و شرح حال نگاری است. در این آثار به‌طور مشخص، از افرادی در یک ظرف اجتماعی خاص سخن به میان آمده و این خود فرصتی است مغتنم تا با استفاده از آنچه به‌عنوان شرح حال آمده است، پایه‌های تاریخی اجتماعی و فرهنگی ریخته شود. کتاب خلاصه‌الاشعار تالیف میر تقی‌الدین محمد کاشانی از جمله آثار تذکره است. این کتاب مشتمل بر شرح حال ۶۵۰ شاعر است. نویسنده مقاله براساس شرح حال شاعران کاشان و اصفهان در قرن دهم قمری، به بیان ویژگی‌های حیات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی این مناطق پرداخته است.

. مقاله «اوضاع فرهنگی آذربایجان، اران و ارمنیه در قرون نخستین اسلامی» تالیف سیده‌مهدی جوادی (۱۳۸۳): نواحی آذربایجان و اران و ارمنیه گذشته از موقعیت استراتژیکی، سیاسی، نظامی و اقتصادی خاص در ادوار مختلف تاریخی، یکی از مهم‌ترین مناطق فرهنگی به شمار می‌آمده است. براین اساس، نویسنده با تکیه بر گزارش‌های مقدسی در احسن‌التقسیم فی معرفه‌الاقالیم و استفاده از آثار برخی جغرافیدانان مسلمان تا اواسط قرن چهارم قمری، به بررسی اوضاع فرهنگی از جمله آموزش و پرورش، ادیان و مذاهب، میراث فرهنگی، آثار هنری و سکه‌های نواحی یادشده پرداخته است.

. کتاب «اردبیل در گذرگاه تاریخ» تالیف باباصغری (۱۳۷۱): کتابی است جامع درباره تاریخ اردبیل در سه مجلد که از دوران قدیم تا سال ۱۳۵۷ش، به بررسی حوادث و تحولات اردبیل پرداخته است. این کتاب که از مهم‌ترین پژوهش‌ها در ارتباط با تاریخ اردبیل است،

روش شناختی در کانون توجه است. مطالعات زندگی نامه‌ای در میان تعدادی از حوزه‌های علمی و تجربی کاربرد دارد. هدف پژوهش زیست‌نامه‌ای در انواع متفاوت آن، جمع‌آوری و تفسیر زندگی سایرین به‌عنوان بخشی از درک انسانی است (Sabirov, 2015: 249).

این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤالات است: موقعیت استراتژیک اردبیل و حوادث سیاسی آن، بر وضعیت فرهنگی منطقه چه تأثیری گذاشته است؟ برخوردار نبودن اردبیل از مراکز علمی پویا و معتبر، بر وضعیت فرهنگی منطقه چه تأثیری گذاشته است؟ عملکرد علمی دانشمندان اردبیل در رشد و بالندگی کدام دسته از علوم تأثیرگذار بوده است؟ هدف از این پژوهش آن است تا از رهگذر تراجم علما و دانشمندان اردبیل در متون مختلف، به بررسی وضعیت علمی و فرهنگی منطقه از قرون نخستین تا آغاز قرن دهم هجری پردازیم.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده درباره تاریخ اردبیل، بسیار محدود و اندک است؛ از سوی دیگر، بررسی تاریخ فرهنگی براساس زندگی‌نامه‌های مشاهیر و دانشمندان چندان در کانون توجه نبوده است. از این‌رو، نمونه پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، در دست نیست. البته اوضاع فرهنگی براساس شاخص‌های دیگر بررسی شده است؛ اما مطالعه متون زیست‌نامه‌ای برای هدفی به جز شرح و توصیف زندگی و احوال دانشمندان تاکنون مغفول مانده است. براین اساس، با توجه به کمبود اطلاعات در حوزه تاریخ فرهنگی، به نظر می‌رسد با رویکردی جدید به منابع زیست‌نامه‌ای، بتوان جنبه‌های مختلفی از تاریخ فرهنگی مناطق مختلف ایران را بازسازی کرد. برخی پژوهش‌های مرتبط با موضوع:

مقاله «تاریخ فرهنگی و اجتماعی مرکز ایران در نیمه دوم قرن دهم هجری» (بر اساس کتاب خلاصه‌الاشعار)

می‌دهد. در دورهٔ هخامنشیان، منطقهٔ اردبیل از جایگاه ژئوپولیتیک و استراتژیک ویژه‌ای برخوردار بود و پادشاهان هخامنشی همیشه سربازانی را مجهز به ابزار نظامی آن روزگار، در این سرزمین به نگهبانی می‌گماشتند (ملکی، بی‌تا: ۹۱). در دورهٔ حکومت پارت‌ها و در تمامی دوران ساسانی، منطقهٔ اردبیل به عنوان بخشی از ایالت آذربایجان بود. تا اواخر دوران ساسانی، آذربایجان و از جمله اردبیل را خاندان‌های محلی اداره می‌کردند (حکمت، ۱۳۶۴: ۱۳۲ و ۱۳۳).

به هنگام فتح آذربایجان در زمان خلیفهٔ دوم به سال ۲۲ق/۶۴۳م، اردبیل پایتخت و مقرّ مرزبان آن بود (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۵۷/۲). در زمان خلافت امام علی (ع) و در دورهٔ حکومت اشعث بر آذربایجان، وی گروهی از اعراب اهل عطا را در اردبیل سکونت داده و به آنان دستور داد که مردم منطقه را به اسلام دعوت کنند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۶۲/۲). در زمان خلافت هشام بن عبدالملک اموی به سال ۱۱۲ق/۷۳۱م (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۵۷/۶)، خزرها از ناحیهٔ آلان هجوم آوردند و اردبیل را تاراج کردند (بلعمی، ۱۳۷۳: ۹۳۳).

در سال ۲۰۱ق/۸۱۷م، بابک خرمدین حدود ۲۲ سال، در اردبیل و حوالی آن به مبارزه با دولت عباسی پرداخت. از نیمهٔ اول قرن سوم قمری، با آغاز فترت خلافت عباسی، حکومت‌های متعددی در مناطق مختلف از جمله در ایالت آذربایجان تأسیس شد که دامنهٔ نفوذ و قدرت برخی از آن‌ها در اردبیل نیز گسترش یافت. یوسف بن ابی‌الساج، از امرای سلسلهٔ ساجیان، بعد از رسیدن به امارت آذربایجان پایتخت خود را از مراغه به اردبیل انتقال داد (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۵۲). اختلاف او با خلیفه باعث شد که در سال ۲۹۵ق/۹۰۸م، سپاهی از بغداد برای سرکوب او به آذربایجان اعزام شود. در این نبرد، یوسف پیروز شد. پس از آن با میانجی‌گری وزیر خلیفه، یوسف به اطاعت درآمد و خلیفه نیز فرمان

با تمرکز بر تاریخ سیاسی این شهر به نگارش در آمده است. هرچند مولف از رویدادهای اجتماعی، تعلیم و تربیت، فرهنگ و هنر، زبان، آداب و رسوم، علما و دانشمندان اردبیل هم سخن به میان آورده و در زمینهٔ اقتصاد و راه‌ها و نیز تاریخچهٔ طب در اردبیل مطالبی عنوان کرده است. از آنجاکه مطالب اجتماعی و فرهنگی کتاب مربوط به ادوار متاخر است، در این پژوهش از منظر تاریخ سیاسی اردبیل به آن توجه شده است.

کتاب «تاریخ اردبیل و دانشمندان» تألیف سیدفخرالدین موسوی اردبیلی (۱۳۷۸): کتاب مشتمل بر دو مجلد است. مولف ابتدا به جغرافیای طبیعی، زمین‌شناسی، آب‌وهوا، تاریخ بنا و سابقهٔ تاریخی شهر اردبیل پرداخته است. بخش دیگر کتاب به شرح احوال و آثار علما و دانشمندان شهر اردبیل و شهرهای مشکین شهر و خلخال و آستارا اختصاص دارد. مطالب کتاب از جهت آشنایی با احوال آن دسته از رجال و مشاهیر شهرهای اردبیل و مشکین شهر و خلخال که در دورهٔ زمانی پژوهش حاضر بررسی شده‌اند، سودمند است.

پیشینهٔ تاریخی اردبیل

استان اردبیل^۱ در شمال غربی ایران قرار دارد و رود ارس مرز شمالی آن را با جمهوری آذربایجان تشکیل می‌دهد. این استان به علت همسایه‌بودن با جمهوری قفقاز نه تنها حکم دروازهٔ قفقاز را دارد، بلکه از جایگاه ارتباطی و استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است.

آثار باستانی سده‌های ۱۲ تا ۱۶ پ.م در نزدیکی شهر اردبیل و همچنین سنگ‌نبشتهٔ اورارتویی از سدهٔ ۷ تا ۹ پ.م، بیانگر دیرینگی فرهنگی است که در ادوار پیشین، در منطقهٔ اردبیل وجود داشته است (بیات، ۱۳۷۰: ۲۳۶). مادها در حدود دوهزار سال پیش از میلاد، سرزمین‌هایی را اشغال کردند که امروز استان‌های اردبیل، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و کردستان را تشکیل

دست امیر بویه سبب تسلط فرستاده امیر بویه بر آذربایجان شد (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۶۴/۶).

برادر مرزبان برای مقابله با او از دیسم، مدعی پیشین، یاری خواست. با توجه به مراجعت فرستاده حاکم بویه، همین امر موجب تسلط دیسم بر اردبیل شد (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۱۹۱/۶). پس از آن منطقه عرصه رقابت میان دیسم، وهسودان (برادر مرزبان)، مرزبان بن محمد که از زندان رهایی یافته بود و دیگر مدعیان شد. با وجود قتل دیسم به دستور مرزبان و مرگ مرزبان در سال ۳۴۶ق/۹۵۸م رقابت میان مدعیان به پایان نرسید (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۱۹۳/۶)؛ چرا که اختلافات خانوادگی بین بازماندگان مرزبان، فرمانروایی آل مسافر را در منطقه متزلزل کرده بود و سرانجام در سال ۳۷۰ق/۹۸۱م، قدرت آنان خاتمه یافت. در دوره ابومنصور وهسودان، نام‌آورترین امیر روادی، مقارن سلطنت سلطان مسعود غزنوی نخستین گروه‌های ترکان غز به آذربایجان حمله کردند. در حدود سال ۴۴۶ق/۱۰۵۴م، ابومنصور وهسودان به جنگ با اسپهبد مغان پرداخت و وی را شکست داد. تا این زمان، اسپهبدان مغان به استقلال حکومت می‌کردند. بی‌اعتنایی اسپهبد مغان به امیر وهسودان و اطاعت نکردن از وی، بر امیر روادی گران آمد و درصدد جنگ با ایشان برآمد. در این جنگ، اسپهبد مغان شکست خورد و مجبور به اطاعت از امیر وهسودان شد (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۲۳۶/۷ تا ۲۴۵). برای مقابله با مخالفت احتمالی اسپهبد مغان، در ادامه ابونصر دژی در اردبیل بنا نهاد و عده‌ای از قشون خود را در آنجا به پاسداری گماشت. سلجوقیان در سال ۴۶۳ق/۱۰۷۱م، به حکومت روادیان پایان دادند.

موقعیت طبیعی و استراتژیکی آذربایجان سبب شده بود که این منطقه در مسیر مهاجرت و فعالیت‌های قبایل ترکمان نقش مهمی ایفا کند و به محل اقامت این

حکومت آذربایجان و ارمنستان را برای وی فرستاد (طبری، ۱۳۸۷ق: ۱۴۲/۱۰؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۶۷/۵). برکناری وزیر خلیفه از وزارت، با ترمذ مجدد ابن ساج همراه بود. تصرف برخی مناطق از سوی او، سبب خشم خلیفه و درگیری مجدد میان آنها شد و در این میان، دامنه درگیری به اردبیل نیز کشیده شد. با وجود پیروزی اولیه، در نبرد مجدد در نزدیکی اردبیل امیر ساجی شکست خورد و به بغداد فرستاده شد (مسعودی، ۱۴۰۹: ۶۹۲/۲). بعد از مدتی، با شفاعت نزد خلیفه عباسی، دوباره به حکومت آذربایجان بازگشت؛ اما به علت نگرانی از افزایش روزافزون قدرت ساجیان، به پیکار با قرمطیان اعزام شد. در این نبرد، بعد از اسارت به دست قرامطه به قتل رسید (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۲۴۶/۵ تا ۲۵۳).

بعد از او برادرزاده‌اش به امارت آذربایجان رسید؛ اما حکومت او چندان طول نکشید و در سال ۳۱۷ق/۹۲۷م در اردبیل درگذشت. با مرگ وی حکومت ساجیان به انقراض گرایید. با پایان یافتن کار دولت بنی ساج، برای سال‌ها این منطقه عرصه کشمکش میان آل مسافر و دیسم بن ابراهیم گردی بود. دیسم که از سرداران یوسف بن ابی الساج بود، درصدد تسلط بر منطقه برآمد. اما مدعیانی همچون مرزبان بن محمد مسافر دیلمی مانع جدی برای غلبه وی بر منطقه بود. همچنین لشکری بن مردی، از سرداران دیلمی و شمگیر زیاری، نیز برای مدتی در کشمکش با دیسم برای غلبه بر آذربایجان بود (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۳/۶). هر یک از این مدعیان برای مدتی، بر ایالت آذربایجان و شهر اردبیل تسلط داشتند. با پایان یافتن غائله لشکری، کشمکش طولانی میان دیسم و مرزبان بن محمد و دست‌به‌دست شدن مناطق بین آنان برای مدت‌ها منطقه اردبیل را ناآرام ساخته بود. با وجود پیروزی مرزبان در رقابت با دیسم، شکست او از آل بویه و اسارتش به

دو سال، جنگ سختی با گرجیان شمال رود ارس انجام داد. با رسیدن خبر نزدیکی مغولان، وی به همراهی مردم مناطق اردبیل و مغان به جنگ آن‌ها رفت و پیروزمندانه به آذربایجان برگشت (اقبال، ۱۳۶۴: ۱۱۱). با استیلاي جلال‌الدین خوارزمشاه بر اردبیل و ایالات تابعه آن، وزیر او اداره این ولایات را برعهده گرفت.

سپاهیان مغول به فرماندهی چنگیزخان به اردبیل یورش بردند. در تصرف این شهر، مغولان با مقاومت شدید اهالی آن مواجه شدند و طی دوبار حمله به اردبیل، توانستند به شهر دست پیدا کنند (جوینی، ۱۳۸۷: ۲۱۹). در این اردوگشی، شهرهای اردبیل و مشکین و دشت مغان غارت و سکنه آن قتل‌عام شدند. هم‌زمان با ورود هلاکوخان (۶۵۷ تا ۶۶۳ ق / ۱۲۵۹ تا ۱۲۶۵ م)، امرای مغولی حکمرانی اردبیل و توابع آن را در دست داشتند (میرخواند، ۱۳۸۵: ۴۰۲۱/۵).

با برقراری حکومت ایلخانان، هلاکوخان حکومت بر اردبیل و مغان را به پسرش سپرد (جوینی، ۱۳۸۷: ۸۳۷/۲). در دوره جانشینان هلاکو نیز، اردبیل و ولایات تابعه آن در کانون توجه ایلخانان بود. با ورود مغولان و حاکمیت ایلخانان بر این سرزمین اوضاع سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی اردبیل و توابع آن دچار تغییر و تحول بسیاری شد (مستوفی، ۱۳۳۹: ۸۱). با این حال، آنچه در این عصر اردبیل را در مقایسه با شهرهای دیگر متمایز می‌کرد، تبدیل شدن این شهر به یکی از شهرهای مقدس بود. به طوری که وجود خانقاه‌های صوفیان و نیز حضور شیخ صفی‌الدین اردبیلی در این مکان به تقدس آن افزود (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۰).

هم‌زمان با دوره ضعف حکومت ایلخانی، امرای دیگری نیز برای تسلط بر آذربایجان به رقابت با یکدیگر پرداختند. در زمان حاکمیت ملک اشرف (۷۴۴ تا ۷۵۸ ق/ ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ م)، از امرای آل‌چوپان، اردبیل و

قبایل مبدل شود. ملک طغرل سلجوقی در لشکرکشی به اردبیل، با ایستادگی مردم این شهر مواجه شد؛ اما سلطان مسعود اردبیل را به محاصره درآورد و با کشتار عده‌ای از مردم، آنجا را تسخیر کرد (ابن‌خلدون، ۱۳۶۸: ۱۰/۴). در سال ۴۳۱ ق/ ۱۰۴۰ م، حکومت سلجوقی بر آذربایجان و اردبیل تسلط یافت. در دوران سلطنت دیگر سلاطین سلجوقی، شهر اردبیل در حکم پایتخت سیاسی منطقه آذربایجان تلقی می‌شد و همواره یکی از امیران نظامی قدرتمند سلجوقی اداره آن را برعهده داشت (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۵۷).

در دوره سلطان محمدبن‌محمود سلجوقی (۵۴۷ تا ۵۵۴ ق/ ۱۱۵۲ تا ۱۱۵۹ م) شمس‌الدین ایلدگز و اتابک ارسلان‌آبه به قدرت‌های بلامنازعی در منطقه آذربایجان تبدیل شدند و با استفاده از فترتی که در نتیجه ضعف سلطان سلجوقی پیش آمده بود، به گسترش قلمرو خود در آذربایجان پرداختند (بنداری، ۱۳۵۶: ۲۲۲). نگرانی از قدرت روافزون اتابک ایلدگز باعث شد که حاکم اردبیل به تحریک وزیر خلیفه عباسی پردازد و به اتفاق او و برخی از امرا و حاکمان مناطق دیگر، علیه اتابک ایلدگز وارد جنگ شوند. در این درگیری، اتابک ایلدگز موفق به شکست دادن آن‌ها شد (الحسینی، ۱۹۳۳: ۱۴۵).

با مرگ حاکم اردبیل در سال ۵۶۰ ق/ ۱۱۶۵ م، ایلدگز از خلاء قدرت در اردبیل نهایت استفاده را برد و شهر را در اختیار گرفت. اواخر عهد سلجوقیان، اردبیل از حملات گرجیان خسارت فراوان دید (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۵: ۱۸/۲). گروهی از قشون گرجی، اردبیل را به محاصره درآوردند. آنان بدون هیچ‌گونه درگیری شهر را تصرف و غارت کردند. گرجیان در حدود یک قرن بلای بزرگی برای مسلمانان آذربایجان، به ویژه اردبیل، بودند و از قتل و آزار ساکنان خودداری نکردند. در زمان حکومت خوارزمشاهیان به سال ۶۲۲ ق/ ۱۲۲۵ م، سلطان جلال‌الدین وارد اردبیل و دشت مغان شد و طی

و (۳۳۷). وی پس از تسلط بر آذربایجان و مغان، حکومت آنجا را به فرزند قرايوسف، یعنی جهانشاه، سپرد (میرخواند، ۱۳۸۵: ۵۴۳۱/۶). بین سال‌های ۸۳۱ تا ۸۳۹ ق/۱۴۲۸ تا ۱۴۳۶م حکومت اردبیل و مغان را ابوالقاسم بابر میرزا، نوه شاهرخ، به دست گرفت. امرای قراقویونلو نیز یک چندی بر منطقه آذربایجان تسلط داشتند. اقتدار و نفوذ بر برخی مناطق میان آن‌ها، فرمانروایان جلایری، تیموریان و آق‌قویونلوها به صورت کرا دست به دست می‌شد. اتحاد میان ابوسعید تیموری و امیر قراقویونلو برای نبرد با اوزون‌حسن آق‌قویونلو، اردبیل را عرصه تاخت‌وتاز این مدعیان قدرت کرد (میرخواند، ۱۳۸۵: ۵۶۳۰/۶) که نتیجه آن شکست امیر تیموری و قتل او بود (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۳۵۳/۲).

در این زمان در اردبیل شیخ جنید، از نوادگان شیخ صفی‌الدین، دوره جدیدی را در تاریخ طریقت صفویه گشود. نفوذ روزافزون و افزایش پیروان شیخ جنید، ترس و تهدیدهای جهانشاه قراقویونلو را به همراه داشت. به دنبال این تهدیدها، شیخ جنید به اتفاق فرزندان عازم آناتولی شد و به نزد اوزون‌حسن، از امرای آق‌قویونلو، رفت (الحسینی، ۱۹۹۳: ۲). پس از مدتی، به اصرار مریدانش به موطن خویش بازگشت و جهانشاه از بیم شورش هواداران کثیر شیخ جنید، مانع ورود او به اردبیل نشد (پاشازاده، ۱۳۵۲: ۲۹).

با مرگ شیخ جنید، فرزندش شیخ حیدر که نزد اوزون‌حسن بود، به جانشینی وی رسید. با شکست جهانشاه به سال ۸۷۲ ق/۱۴۶۸م و قتل او در جریان نبرد با اوزون‌حسن، سرزمین‌های تحت حاکمیت قراقویونلوها به ترکمن‌های آق‌قویونلو منتقل شد و شیخ حیدر نیز بعد از شکست ابوسعید تیموری و متحد او، حسنعلی میرزا قراقویونلو، از اوزون‌حسن وارد اردبیل شد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۸۵/۴). در این درگیری‌ها اردبیل و ولایات تابعه کانون حوادث و توجه مدعیان قدرت بود (سمرقندی،

توابع آن بین امرای حکومت او تقسیم شد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۲۰۰/۱). در این دوره، مردم اردبیل و ولایات آن متحمل ظلم و جور فراوانی شدند (میرخواند، ۱۳۸۵: ۶۳۴۳/۵). رفتار ناهنجار ملک اشرف باعث پناه‌بردن عده بسیاری از روحانیان منطقه به فرمانروای اردوی زرین در دشت قبچاق شد. این امر بهانه مناسبی بود برای تجاوز به آذربایجان که منجر به تصرف اردبیل شد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۲۹۲/۱).

جانشینان او بقایای قلمرو ایلخانان را در اردبیل ویران کردند. در دوره امرای آل‌جلایر (۷۴۰ تا ۸۱۴ ق/۱۳۴۰ تا ۱۴۱۱م)، اردبیل و مغان قلمرو تحت نفوذ آنان بود. به هنگام حکومت سلطان احمد جلایری بر اردبیل (۷۸۴ تا ۸۱۳ ق/۱۳۸۲ تا ۱۴۱۰م)، مشایخ صوفیه از حمایت او برخوردار بودند (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۲). در آشوب سیاسی این دوران، به علت فقدان حکومت مرکزی قدرتمند و رقابت امرای متعدد برای کسب قدرت، شهر اردبیل بارها بین مدعیان قدرت دست‌به‌دست شد (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۰). به سال ۸۱۶ ق/۱۴۱۳م قرايوسف ترکمان، از امرای قراقویونلو، آذربایجان را از دست جلایریان خارج کرده و اردبیل را به امرای ترکمن جاگیرلو واگذار کرد (روملو، ۱۳۸۴: ۱۹۸/۱).

در دوره لشکرکشی‌های امیر تیمور، وی بارها به اردبیل و مغان وارد شد و از آنجا به مناطق دیگر عزیمت کرد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۸۸۵/۲). به سال ۸۰۶ ق/۱۴۰۴م در حوالی رود ارس حکومت تمام ممالک آذربایجان را به نوادش واگذار کرد (یزدی، ۱۳۳۶: ۴۰۲/۲). پس از آن، منطقه اردبیل از سویی شاهد نزاع و درگیری سپاه شاهرخ و میرزامیرانشاه بود و از سوی دیگر، اقدام امیرزاده عمر برای دستگیری امیر بسطام جاگیرلو (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۲/۳).

شاهرخ در جریان عملیات خود علیه قراقویونلوها، در چند نوبت راهی اردبیل شد (روملو، ۱۳۸۴: ۲۴۰/۱).

آزاد کرد. بعد از غلبه بر دشمنان، رستم‌میرزا به سلطان علی اجازه داد تا به اردبیل بازگردند. موقعیت سلطان علی نگرانی رستم‌میرزا را باعث شد. به همین علت مامورانی اعزام کرد و در جنگ میان طرفین، سلطان علی کشته شد. اسماعیل‌میرزا به‌عنوان جانشین برادرش، به علت تعقیب فرستاده آق‌قویونلو، به لاهیجان گریخت. بعد از چند سال اقامت در گیلان، با استفاده از آشفستگی اوضاع آق‌قویونلوها، از پناهگاه خود خارج شد. بعد از تصرف برخی مناطق، به کمک هواداران خود، سپاهیان امیر آق‌قویونلو را شکست داد. با این پیروزی، وی توانست کنترل منطقه آذربایجان را به دست بگیرد و در سال ۹۰۷ق/۱۵۰۲م، به‌عنوان مؤسس سلسله صفویان تاج‌گذاری کند (منشی قزوینی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

مراکز علمی در اردبیل

با فتح آذربایجان و حاکمیت مسلمانان بر این ایالت، به‌تدریج دین اسلام در میان مردم نفوذ کرد و رفته‌رفته بر پیروان این دین جدید افزوده شد. در این بین، ساخت مساجد به‌عنوان اولین پایگاه‌های تعلیم و تربیت اسلامی در مناطق مفتوحه، در کانون توجه قرار گرفت. در مناطق مختلف آذربایجان، فعالیت‌های علمی و تعلیمی و تربیتی از سابقه دیرینه‌ای برخوردار بود. طبق بعضی روایت‌های تاریخی، تولد زرتشت در آذربایجان و نگارش اوستا در سیلان بود (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۵۲/۱).

آتشکده‌های فراوانی در آذربایجان، به‌ویژه آتشکده آذرگشنسب در شیز فعالیت داشت. برخی از نواحی، از جمله مغان، گذشته از انتساب به روحانیان زرتشتی (مغ) از مراکز مهم آموزش و پرورش بود (بیرونی، ۱۳۷۷: ۲۹۹). بنابراین به علت مناسب بودن زمینه‌های تعلیم و تربیت، مسلمانان عرب در بدو ورود به آذربایجان با استقبال عامه مردم از قرائت قرآن روبه‌رو شدند و به دنبال آن، قاریانی را در برخی از شهرهای آن مقیم

۱۳۸۳: ۹۷۷/۴ تا ۹۸۸). شیخ‌حیدر با استفاده از فرصت بیست ساله برخوردار از موقعیت مادی و معنوی پایگاه امن اردبیل، توانست برای ادامه راهی که پدرش در آن از پای درآمده بود، گام‌های بلندی بردارد و کار تحول‌طریقت صفوی را به‌صورت نهضت نظامی به پیش برد. وی تمام تلاش خود را وقف تجهیز پیروان خود کرده بود. بعد از مرگ اوزون حسن در سال ۸۸۳ق/۱۴۷۸م، شیخ‌حیدر اندک‌اندک حمایت خاندان حاکم آق‌قویونلو را از دست داد. با این حال، سلطان یعقوب آق‌قویونلو تا مدتی با وی مدارا کرد. شیخ‌حیدر پس از حملات خود به سرزمین چرکس‌ها، با پیروزی در این جنگ‌ها، قسمتی از غنایمی را که با خود آورده بود، در اردبیل بین اهالی تقسیم کرد. قسمتی را نیز صرف تهیه اسلحه و آلات و ادوات جنگی کرد و مابقی را برای حفظ ظاهر و از سر مصلحت، نزد سلطان یعقوب فرستاد (روملو، ۱۳۸۴: ۶۱۱/۱).

با وجود سوءظن به عملیات جنگی شیخ‌حیدر که در قالب غزای مقدس صورت می‌گرفت، با وساطت مادر شیخ‌حیدر، فرمان جهاد غزا را حاکم آق‌قویونلو صادر کرد. پیوندهای خویشاوندی میان آق‌قویونلوها و خاندان صفوی وجود داشت؛ اما در جنگ میان حاکم شروان و شیخ‌حیدر، سلطان یعقوب به حمایت از حاکم شروان پرداخت و سرانجام شیخ‌حیدر در شروان کشته شد (منشی قزوینی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

صوفیان پسر بزرگ شیخ‌حیدر، یعنی سلطان علی را به جانشینی او در اردبیل انتخاب کردند. سلطان یعقوب با آگاهی از این انتخاب و تجمع صوفیان در اردبیل، دستور داد تا علی و دو برادر و مادرش را دستگیر و زندانی کنند. با مرگ سلطان یعقوب و جنگ جانشینی بین مدعیان آق‌قویونلو، رستم‌میرزا برای غلبه بر رقیب خود کوشید که از نیروی جنگی هواداران صفویه استفاده کند. از این‌رو، فرزندان شیخ‌حیدر را از زندان

شیرخ صدرالدین پایه‌گذاری کرد که بعدها توسعه یافت. خانقاه اردبیل در کانون توجه مریدان و پیروان شیرخ صافی و فرزندان او بود و آنان از مناطق مختلف در این محل حضور می‌یافتند. از قرن هشتم قمری این مکان به‌عنوان مرکزی علمی، نقش مهمی در فعالیت عرفا و تربیت شاگردان داشت. در منابع به وجود مدرسه‌ها و کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها، به‌عنوان مراکز آموزشی، در اردبیل اشاره‌ای نشده‌است. در دوره‌های متاخر و با آغاز تاسیس مدارس به سبک جدید، مدارس در اردبیل ساخته شد (صفوت، ۱۳۹۴: ۶۵، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۱۹۲).

نقش اندیشمندان و رجال علم و دین

یکی از منابع اطلاعات درباره‌ی دانشمندان و علما، تاریخ‌نامه‌های محلی و زندگی‌نامه‌های محلی است. تاریخ‌های محلی حاوی اطلاعات جزئی و دقیق درباره‌ی اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دینی و مذهبی شهرها و نواحی هستند و گاه اطلاعاتی منحصر به فرد درباره‌ی رجال و شخصیت‌های تاریخی به دست می‌دهند (قنوات، ۱۳۹۴: ۱۵). زندگی‌نامه‌های محلی نیز آثاری هستند که موضوع اصلی آن‌ها شرح حال رجال و شخصیت‌های یک شهر یا ناحیه‌ی جغرافیایی معین است. این دسته کتاب‌ها که از آن‌ها با عناوینی مانند تراجم، طبقات، معجم‌ها و رجال نیز نام برده می‌شود، به علت تعلق به یک حوزه‌ی جغرافیایی خاص، ذیل تاریخ‌های محلی قرار می‌گیرند. البته این آثار خود دو دسته‌اند: یکی زندگی‌نامه‌های محلی دینی و دیگری زندگی‌نامه‌های محلی غیردینی. موضوع کتاب‌های دسته اول شرح حال رجال و علمای دینی به‌خصوص محدثان است؛ اما موضوع دسته دوم شرح حال عموم دانشمندان، شعرا یا رجال سیاسی و اشراف یک شهر یا ناحیه‌ی جغرافیایی است (قنوات، ۱۳۹۴: ۱۹۳). از میان تاریخ‌های محلی شناخته‌شده تا سده هفتم قمری، سه عنوان کتاب به

کردند. پس از آن در حدود سال ۳۵ق/۶۵۶م، نخستین مسجد جامع اردبیل را اشعث بن قیس، والی امام علی (ع)، در آذربایجان تأسیس کرد (بلاذری، ۱۹۸۸: ۱۹۸).

در سه قرن اول قمری، با توجه به مرکزیت اردبیل در ایالت آذربایجان، این مسجد فعالیت علمی و مذهبی چشمگیری از خود نشان داد؛ ولی از اواسط قرن چهارم قمری به بعد، به علت دستیابی روادیان به قدرت و انتقال پایتخت از اردبیل به شهرهای مراغه و تبریز، شهر اردبیل و مسجد جامع به تدریج رونق اولیه خود را از دست داد و دانشمندان برای اقامت در آنجا چندان رغبتی از خود نشان نمی‌دادند. با این همه در دوران اتابکان آذربایجان (۵۴۰ تا ۶۲۲ق/۱۱۴۶ تا ۱۲۲۵م)، این مسجد هنوز به‌عنوان مرکزی علمی و مذهبی فعال بود (یاقوت، ۱۹۹۵: ۱۲۱/۲ و ۱۲۲).

در اوایل قرن هفتم قمری، به واسطه‌ی یورش اقوام گرجی و در ادامه حملات مکرر مغول به شهر، این مسجد آسیب فراوان دید؛ اما در بین سال‌های ۶۵۰ تا ۶۸۰ق/۱۲۵۲ تا ۱۲۸۱م، دوباره مرمت شد. اطلاعات بیشتری در خصوص مراکز علمی اردبیل در دست نیست؛ اما با توجه به جایگاه و اهمیت مسائل فرهنگی، می‌توان گفت که سلسله‌های مختلف به این امر اهتمام می‌ورزیدند که در شهرهای تحت حکومت خویش، مسجد جامع و مساجد دیگر را بنیان گذارند. رجال حکومتی و بزرگان و اعیان شهر نیز به تأسیس مسجد و مراکز آموزشی اقدام می‌کردند. مقدسی ضمن گزارش وضعیت آموزش و پرورش اسلامی در ایالت آذربایجان، به وجود مراکز آموزشی از قبیل مساجد جامع، کاروانسراها، دیرها و خانقاه‌ها می‌پردازد و در این بین، به وجود مساجد جامع در بیشتر شهرها و مناطق از جمله اردبیل اشاره می‌کند (مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۱۵ تا ۳۱۷؛ نیز نک: جوادی، ۱۳۸۳: ۳۳ تا ۳۸).

در قرن هشتم قمری، خانقاه شیرخ صافی‌الدین را فرزندش

که در یکی از رشته‌های علوم از ایران و از جمله اردبیل برخاسته و خدمت کرده‌اند، خدمت آن‌ها در جهت رشد فرهنگ و تمدن اسلامی که اسلامی ایرانی است، محسوب می‌شود.

در اینجا قصد نداریم به تفصیل به تراجم مشاهیر اردبیل بپردازیم، بلکه به اختصار به حوزه فعالیت، زمان حیات، رحله‌ها و سفرهای علمی آنان اشاره خواهیم کرد. گفتنی است که به جز معدودی از دانشمندان اردبیل، درباره اکثر علمای این منطقه اطلاعات چندانی در منابع دیده نمی‌شود. اسم‌هایی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، به‌طور عمده از منابع مختلف که گاهی ضمن گزارش درباره موضوعی به این افراد اشاره کرده‌اند، جمع‌آوری شده‌است. البته درباره آن دسته از دانشمندان اردبیل که در مراکز علمی خارج از منطقه حضور داشته‌اند، اطلاعات بیشتر است؛ اما اطلاعات مبسوطی درباره علمایی که در مراکز علمی منطقه بوده‌اند، در دست نیست. این امر می‌تواند به علت پویانبودن و رونق‌داشتن مراکز علمی اردبیل، حضورنداشتن دانشمندان مناطق دیگر در اردبیل و ارتباط‌نداشتن مراکز علمی منطقه با سایر کانون‌های علمی باشد که باعث می‌شد علمای رجال و تراجم کمتر به آن‌ها توجه کنند.

اولین فردی که از این منطقه نامش در منابع به چشم می‌خورد، فردی است به نام عمرین محمد اردبیلی که در سال ۱۸۱ق/۷۹۸م، ضمن گزارش درباره فردی به نام یعقوب عابد کوفی به نام او اشاره می‌شود (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۶۴/۹). از دیگر چهره‌های علمی، حسین بن عمرو اردبیلی و واقد اردبیلی متعلق به قرن سوم هجری هستند که از شیوخ بلاذری، مؤلف شهیر کتاب فتوح البلدان، محسوب می‌شوند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۶۱).

منطقه آذربایجان اختصاص دارد: ۱. کتاب تاریخ آذربایجان تألیف ابن ابی‌الهی‌جاء رواد، نوشته شده در اواخر سده چهارم ق؛ گویا نویسنده خود یکی از امیران سلسله روادی بوده و به احتمال، کتاب بر حوادث مربوط به تاریخ دولت روادی تأکید داشته‌است (قنوات، ۱۳۹۴: ۱۲۵). هیچ نسخه یا حتی نقل قول مشخصی از متن کتاب در دست نیست. ۲. تاریخ آذربایجان تألیف مختص‌الدین ابوالخیر نعمه‌الله بن محمد سلماسی (م ح ۵۴۰ق/۱۱۴۶م). ۳. تاریخ آذربایجان تألیف فخرالدین ابوالفضل اسماعیل بن مثنی تبریزی (م ح ۵۸۰ق/۱۱۸۴م) (قنوات، ۱۳۹۴: ۳۴۲). در ارتباط با این دو کتاب، این احتمال وجود دارد که مختص‌الدین اثری مستقل نداشته و تنها نسخه‌ای از کتاب اسماعیل بن مثنی را به خط خود فراهم آورده‌است (قنوات، ۱۳۹۴: ۳۴۱). به‌رحال، هیچ نسخه و نشانی از این کتاب در دست نیست و از محتوای آن نیز در منابع سخنی به میان نیامده‌است. بدین ترتیب، هیچ اثر تاریخ محلی یا زندگی‌نامه محلی در ارتباط با آذربایجان به دست ما نرسیده‌است.

ظهور دانشمندان و متفکران بسیار در آذربایجان، در رشته‌های مختلف علوم اسلامی و غیراسلامی، در شکوفایی و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی مؤثر بود. نام‌آوران و مشاهیر بزرگ با ابداع و ترویج آرا و نظریه‌ها، در رشد اندیشه اسلامی گام‌های ارزنده‌ای برداشتند. از سرزمین اردبیل، اندیشمندی در علوم گوناگون پا به عرصه گذاشتند که برای اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی خدمات ارزشمندی انجام دادند. ذکر این نکته لازم است که وقتی از فرهنگ و تمدن اسلامی سخن به میان می‌آید، منظور مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی است که یک تمدن را می‌سازد. در این نگرش، نمی‌توان بین ایران و اسلام جدایی قائل شد. بنابراین در این زمینه، تمام کسانی

جدول ۱: محدثان

ردیف	عنوان	دوره زمانی
۱	ابراهیم بن جبرائیل اردبیلی (رافعی، ۱۹۸۴: ۱۳۵/۲).	به احتمال قرن ۴
۲	ابو محمد جعفر بن محمد بن جعفر اردبیلی (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۵۸/۱؛ الاصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۵۰/۱).	قرن ۴
۳	ابوعیاش اردبیلی (یاقوت، ۱۹۹۵: ۲۰۴/۳).	قرن ۴
۴	ابن طاهر جعفر بن محمد اردبیلی (یاقوت، ۱۹۹۵: ۲۰۴/۳).	قرن ۴
۵	نصر بن منصور اردبیلی (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۵۸/۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۴۹/۲۷).	قرن ۴
۶	ابوبکر احمد بن الحسین اللجام اردبیلی (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۲۰۷/۱۱).	به احتمال قرن ۴
۷	حفص بن عمر اردبیلی (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۶۹/۶؛ یاقوت، ۱۹۹۵: ۳۸۱/۱).	قرن ۴
۸	محمد بن خلاد اردبیلی (سهمی، ۱۴۰۷: ۳۳۵).	به احتمال قرن ۴
۹	ابو محمد بن عبدالله بن علی بن عبدالله اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۹۵/۲).	قرن ۵
۱۰	ابوعلی الحسن بن ابی الحسن البرزندی (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۵۹/۲).	به احتمال قرن ۵
۱۱	احمد بن یوسف اردبیلی کسائی (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۶۹/۶، ۲۰۷/۱۱).	به احتمال قرن ۵
۱۲	ابو منصور صالح بن بدیل بن علی برزندی اردبیلی (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۵۸/۲؛ یاقوت، ۱۹۹۵: ۱۲۴/۱).	قرن ۵
۱۳	ابو تراب عبدالباقی بن یوسف نریزی (یاقوت، ۱۹۹۵: ۲۸۰/۵؛ ابن ابی الوفاء، ۱۴۱۳: ۲۹۳؛ ابن اثیر، بی تا: ۲۲۲/۲).	قرن ۵
۱۴	ابو عبدالله محمد بن احمد بن اسماعیل بن رواد اردبیلی (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۴۹۱/۱۰).	قرن ۵
۱۵	ابو القاسم حفص بن عمر اردبیلی (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۳۱/۷؛ یاقوت، ۱۹۹۵: ۳۸۱/۱؛ ابن عماد، بی تا: ۲۰۷/۴).	به احتمال قرن ۵
۱۶	یوسف بن محمد اردبیلی (ذهبی، ۱۴۱۳: ۷۸/۳۳).	قرن ۵
۱۷	مفرح بن حسین اردبیلی (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۴۴/۳۳).	قرن ۵
۱۸	هبه الله بن عبدالله بن هبه الله بن احمد اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۳۴۸/۲).	قرن ۵
۱۹	ابوهشیم بن حمدون الاشحی (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۵۷/۲).	قرن ۵
۲۰	منصور بن ناصر اردبیلی (رافعی، ۱۹۸۴: ۳۱۴/۳).	به احتمال قرن ۵
۲۱	ناصر بن ابراهیم اردبیلی (رافعی، ۱۹۸۴: ۳۱۴/۳).	به احتمال قرن ۵
۲۲	ناصر بن منصور غازی اردبیلی (رافعی، ۱۹۸۴: ۳۱۴/۳).	به احتمال قرن ۵
۲۳	احمد بن عثمان نریزی اردبیلی (یاقوت، ۱۹۹۵: ۲۸۱/۵).	به احتمال قرن ۵
۲۴	ابو القاسم محمود بن یوسف بن حسین برزندی (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۵۸/۲).	قرن ۶
۲۵	مصلح الدین ابو عمرو و مسعود بن علی بن حسین اردبیلی (ابن فوطی، ۱۹۶۳: ۶۷۰/۴).	قرن ۶

۲۶	موهوب اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۳۱۱/۲).	به احتمال قرن ۶
۲۷	احمد بن تمیم خلخالی (ابن فوطی، ۱۹۶۳: ۳۲۱/۲).	؟
۲۸	بشیر بن حامد بن سلیمان بن یوسف بن سلیمان بن عبدالکریم، الامام نجم الدین ابوالنعمان هاشمی جعفری اردبیلی (ذهبی، ۱۹۹۳: ۲۴۸/۱۳؛ السیوطی، بی تا(ب): ۸؛ السبکی، بی تا: ۵۲/۵؛ حاجی خلیفه، بی تا: ۴۶۰).	قرن ۶ و ۷
۲۹	محمد بن عبدالجلیل بن عبدالکریم، جمال الدین ابوعبدالله مغانی (صفدی، ۱۴۲۰: ۲۱۶/۳؛ ابن حجر، ۱۳۸۵ق: ۴۹۳/۳؛ ابن عماد، بی تا: ۳۱۶/۵).	قرن ۶ و ۷
۳۰	عضد الدین ابوالفتح نصرالله بن عماد الدین احمد بن اسماعیل کاکلی اردبیلی (ابن فوطی، ۱۹۶۳: ۶۵۰/۴).	به احتمال قرن ۷
۳۱	سعد بن ابراهیم بن حسن بن علی بن علی اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۳۱۱/۲).	قرن ۷
۳۲	سید محمد بن ابی سعید حسنی اردبیلی	قرن ۷
۳۳	اسماعیل بن احمد بن محمود بدری اردبیلی؛ صاحب اثر (حاجی خلیفه، بی تا: ۱۹۸/۱).	قرن ۸
۳۴	ابوالفرج اردبیلی (ابن حجر، ۱۳۸۵ق: ۲۲۰/۳).	قرن ۸
۳۵	شیخ عبدالعزیز اردبیلی (الحسینی، ۱۳۸۳ق: ۴۴/۴؛ ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۴/۲).	قرن ۸
۳۶	تاج الدین علی بن عبدالله بن ابی الحسن بن ابی بکر اردبیلی؛ صاحب تالیفات (ابن حجر، ۱۳۸۵ق: ۷۲/۳؛ السیوطی، بی تا(الف): ۳۳۹؛ حاجی خلیفه، بی تا: ۶۲۶؛ السبکی، بی تا: ۱۴۶/۶).	قرن ۸
۳۷	سنان الدین یا جمال الدین یوسف بن امام عزالدین ابراهیم یا یوسف بن عبدالله هل آبادی اردبیلی؛ صاحب تالیفات (ابن عماد، بی تا: ۱۰۴/۹).	قرن ۸
۳۸	ابوبکر محمد بن عبدالله اردبیلی (ابن العدم، ۱۴۰۸: ۶۰۶/۲).	قرن ۹

جدول ۲: فقها (شافعی و حنفی)

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن ۴	ابوالحسین یعقوب بن موسی اردبیلی (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۵۷/۱؛ بغدادی، ۱۴۱۷: ۲۹۷/۱۴؛ ابن العدم، ۱۴۰۸: ۳۸۲۳/۸).	۱
قرن ۴	احمد بن طاهر اردبیلی (سهمی، ۱۴۰۷: ۱۶۰).	۲

قرن ۵	ابوعمر و مسعود بن علی اردبیلی (ابن المستوفی، ۱۹۸۰: ۱۳۹/۱).	۳
قرن ۵	فریدالدین ابوالحسن محمد بن ابراهیم بن حسین اردبیلی (ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۹۴/۳۰؛ ابن فوطی، ۱۹۶۳: ۴۶۵/۳).	۴
قرن ۵	بدیل بن علی برزندی (یاقوت، ۱۹۹۵: ۱۲۴/۱).	۵
قرن ۵	عفیف الدین ابوالقاسم یوسف بن محمد بن یوسف اردبیلی (ابن فوطی، ۱۹۶۳: ۵۵۴/۴).	۶
قرن ۵	هبه الله بن عبدالله بن احمد بن جعفر کمونی اردبیلی (رافعی، ۱۹۸۴: ۳۰۹/۳).	۷
به احتمال قرن ۷	علاء الدین ابوالعباس احمد بن داود بن خالد خونجی (ابن فوطی، ۱۹۶۳: ۹۹۳/۴).	۸
قرن ۷	محمد بن احمد بن محمد ابوالفضل اردبیلی (السبکی، بی تا: ۱۵۴/۵).	۹
قرن ۷ و ۸	تاج الدین امام علی بن عبدالله بن ابی الحسن بن ابی بکر اردبیلی (ابن حجر، ۱۳۸۵ق: ۷۲/۳؛ السیوطی، بی تا (الف): ۳۳۹؛ حاجی خلیفه، بی تا: ۶۲۶؛ السبکی، بی تا: ۱۴۶/۶).	۱۰
قرن ۸	سنان الدین یا جمال الدین یوسف بن امام عز الدین ابراهیم یا یوسف بن عبدالله هل آبادی اردبیلی؛ صاحب تألیفات (ابن عماد، بی تا: ۱۰۴/۹؛ ابن حجر، ۱۳۸۵: ۴۸۴/۵؛ حاجی خلیفه، بی تا: ۱۹۵/۱).	۱۱
قرن ۸	شیخ فرج الله اردبیلی (اسنوی، ۴۲۲: ۳۱؛ ابن حجر، ۱۳۸۵ق: ۲۳۰/۳؛ السبکی، بی تا: ۲۴۶/۶؛ حاجی خلیفه، بی تا: ۷۴؛ بغدادی، بی تا (الف): ۴۰۸/۱).	۱۲
قرن ۸	ابو محمد نورالدین فرج بن محمد بن احمد بن ابی الفرج اردبیلی؛ صاحب تألیفات (ابن حجر، ۱۳۸۵ق: ۲۲۰/۳؛ نعیمی، ۱۴۱۰: ۱۷۳/۱؛ السبکی، بی تا: ۲۴۶/۶؛ بغدادی، بی تا (الف): ۴۰۸؛ بغدادی، بی تا (ب): ۸۱۶/۱).	۱۳
قرن ۸	شیخ سراج الدین حمزه اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۷۱/۱).	۱۴
قرن ۸	شیخ عبدالعزیز اردبیلی (الحسینی، ۱۳۸۳ق: ۴۴/۴؛ ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۴/۲).	۱۵
قرن ۸	کمال الدین موسی بن عبدالله بن محمود بن اسماعیل بن کاکلی اردبیلی (ابن فوطی، ۱۹۶۳: ۲۳۱/۵).	۱۶
قرن ۹	جلال الدین عبیدالله بن عبدالله اردبیلی (ابن عماد، بی تا: ۱۰۳/۱۰).	۱۷
قرن ۹	ابراهیم بن محمد اردبیلی (سناوی، ۱۴۱۲: ۷۹/۸).	۱۸
قرن ۹	احمد بن عبیدالله بن عوض بن محمد شهاب بن جلال بن تاج اردبیلی؛ شیروانی القاهری (سناوی، ۱۴۱۲: ۳۷۶/۱).	۱۹
قرن ۹	محمد بن عبدالکریم بن محمد اردبیلی قاهری (سناوی، ۱۴۱۲: ۷۴/۸).	۲۰
قرن ۹	شیخ علاء الدین ابوالحسن علی بن قاسم اردبیلی؛ صاحب اثر (مجیرالدین، ۱۳۸۸ق: ۲۱۲/۲).	۲۱

جدول ۳: مفسران

ردیف	عنوان	دوره زمانی
۱	بشیر بن حامد بن سلیمان بن یوسف بن سلیمان بن عبدالکریم اردبیلی؛ صاحب آثار (ذهبی، ۱۹۹۳: ۲۸۴/۱۳؛ السیوطی، بی تا(ب): ۸؛ السبکی، بی تا: ۵۲/۵؛ حاجی خلیفه، بی تا: ۴۶۰).	قرن ۷ و ۶
۲	احمد بن محمد بن مزید اردبیلی؛ صاحب اثر (موسوی، ۱۳۷۹: ۳۷۳/۲).	قرن ۸
۳	تاج الدین علی بن عبدالله بن ابی الحسن بن ابی بکر اردبیلی (ابن حجر، ۱۳۸۵ق: ۷۲/۳؛ السیوطی، بی تا(الف): ۳۳۹؛ حاجی خلیفه، بی تا: ۶۲۶؛ السبکی، بی تا: ۱۴۶/۶).	قرن ۸
۴	جمال الدین عبدالله بن محمد بن حسن بن خضر اردبیلی کورانی (سیوطی، ۱۹۲۷: ۱۲۱).	قرن ۹

جدول ۴: حفاظ

ردیف	عنوان	دوره زمانی
۱	حفص بن عمر (ابن عماد، بی تا: ۳۴۹/۲؛ صفدی، ۱۴۲۰: ۹۳/۱۲؛ ابن حجر، ۱۳۸۵ق: ۷۲/۳؛ السیوطی، ۱۴۱۸: ۱۳۵/۱؛ بغدادی، بی تا(الف): ۴۲۴/۲؛ ذهبی، بی تا(الف): ۶۵/۳).	قرن ۴
۲	نصر اردبیلی (اصفهانی، ۱۹۳۴: ۲۵۰/۱).	قرن ۴
۳	احمد بن عثمان نریزی (نیری) (یاقوت، ۱۹۹۵: ۲۸۱/۵).	قرن ۵
۴	احمد بن عبیدالله بن عوض بن محمد الشهاب بن الجلال بن التاج اردبیلی؛ شیروانی قاهری (سخاوی، ۱۴۱۲: ۳۷۶/۱).	قرن ۸ و ۹

جدول ۵: عرفا و متصوفه

ردیف	عنوان	دوره زمانی
۱	شیخ ابوسعید اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۹۱).	قرن ۳
۲	شیخ فرج اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۹۱، ۸۴۴).	قرن ۳
۳	ابوذرعه عبدالوهاب بن محمد بن ایوب اردبیلی (سمعانی، ۱۳۸۲: ۱۵۸/۱).	قرن ۴ و ۵
۴	علی بن حفص اردبیلی (ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۲۱/۲۶).	قرن ۴
۵	ابی... الاربدیلی (مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۷۹).	قرن ۴
۶	بابا قلی اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۹۵).	قرن ۵
۷	پیرمادر (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۷۵۸).	قرن ۶
۸	پیرزرگر (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۸۴۰).	قرن ۶
۹	پیرشمس الدین (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۸۴۵).	قرن ۶
۱۰	پیرعبدالملک (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۸۵۰).	قرن ۶

۱۱	پیر عبدالله (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۹۱۰).	به احتمال قرن ۶
۱۲	مولانا مجدالدین کاکلی اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۷۷۱).	قرن ۶
۱۳	ابوموسی اردبیلی (راغب، بی تا: ۸۷).	به احتمال قرن ۶
۱۴	عمر بن محمد بن خضر اردبیلی صوفی؛ صاحب اثر (بغدادی، بی تا (الف): ۷۰۸/۲).	قرن ۶
۱۵	بشیر بن حامد بن سلیمان بن یوسف بن سلیمان بن عبدالکریم اردبیلی (ذهبی، ۱۹۹۳: ۲۸۴/۳؛ حاجی خلیفه، بی تا: ۴۶۰).	قرن ۶ و ۷
۱۶	شیخ رکن محی الدین اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۹۱).	قرن ۷
۱۷	خواجه کمال الدین عربشاه اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۷۵).	قرن ۷
۱۸	تاج الدین اردبیلی؛ صاحب آثار (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۸۴۳).	قرن ۷
۱۹	مولانا نصیر الدین اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۱۸۶).	قرن ۷
۲۰	ابوالفتح شیخ صفی الدین اسحاق اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۳، ۴، ۷).	قرن ۷ و ۸
۲۱	پیر بدر نمینی (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۳۶/۱).	قرن ۷
۲۲	شرف الدین ابی شرف الدین ابو عبدالله اردبیلی (صفدی، ۱۴۲۰: ۲۶۴/۲).	قرن ۷
۲۳	پیره ابوبکر بیانی موقانی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۸۴۲).	قرن ۷
۲۴	صدر الدین موسی: فرزند صفی الدین (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۱۱۷۹).	قرن ۸
۲۵	شیخ صلاح الدین رشید (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۱۰۲، ۹۶، ۸۰).	قرن ۸
۲۶	پیره ابراهیم صابونی اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۷۵۷).	قرن ۸
۲۷	پیره احمد اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۱۱۷۰).	قرن ۸
۲۸	پیره اسماعیل اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۱۱۷۹).	قرن ۸
۲۹	پیره سلیمان موقانی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۱۱۷۳).	قرن ۸
۳۰	حسن بن علی خانقاهی (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۵۱/۱).	قرن ۸
۳۱	موفق الدین ابو عبدالله محمد بن علی بن عبدالمومن خلخالی (ابن فوطی، ۱۹۶۳: ۲۴۳/۵).	قرن ۸
۳۲	مولانا نجم الدین پیره اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۳۱۱).	قرن ۸
۳۳	مولانا شمس الدین اقیمونی اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۶۴، ۶۶).	قرن ۸
۳۴	مولانا جمال الدین اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۶۶۷).	قرن ۸
۳۵	پیره ملک شاه عموقینی اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۷۵۵).	قرن ۸
۳۶	شمس الدین کاسه گر اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۴۰۹).	قرن ۸
۳۷	مولانا شمس الدین توکلی واعظ اردبیلی (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۸۰۶).	قرن ۸
۳۸	سلطان علی بن صدر الدین موسی (آقابزرگ الطهرانی، ۱۴۰۳: ۷۵۹/۹).	قرن ۸ و ۹
۳۹	شیخ ابراهیم معروف به شاه شیخ (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۵).	قرن ۹
۴۰	ام کلثوم اردبیلی (سخاوی، ۱۴۱۲: ۳۸/۱۲).	قرن ۹

جدول ۶: اطبا

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن ۶	ابوالفرج بن عبدالرحمان اردبیلی (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۳).	۱
قرن ۷	افضل‌الدین محمد بن نام‌آور بن عبدالملک خونجی (ابن ابی‌اصیبه، بی تا: ۵۸۶).	۲
قرن ۸	تاج‌الدین علی بن عبدالله بن ابی‌الحسن بن ابی‌بکر اردبیلی (ابن حجر، ۱۳۸۵ق: ۷۲/۳؛ سیوطی، بی تا(الف): ۳۳۹؛ حاجی خلیفه، بی تا: ۶۲۶؛ السبکی، بی تا: ۱۴۶/۶).	۳
قرن ۹	سعدی اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۹۶/۱).	۴
به احتمال قرن ۹	اویس بن محمد (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۰۸/۱).	۵

جدول ۷: مورخان

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن ۳	حسین بن عمرو اردبیلی (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۶/۱).	۱
قرن ۳	واقد اردبیلی (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۶/۱).	۲
نیمه قرن ۸	علاء‌الدین علی بن عیسی اردبیلی؛ صاحب آثار (حاجی خلیفه، بی تا: ۱۴۹۲/۲).	۳

جدول ۸: شعرا

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن ۶	ابونصر جنید بن اسماعیل بن علی بن اسماعیل اردبیلی (ابن فوطی، ۱۹۶۳: ۴۹۴/۴).	۱
قرن ۶	اثیرالدین اخسیکتی خلخالی (سمرقندی، ۱۳۳۷: ۱۳۵).	۲
قرن ۷	بانو باغبان (ابن بزاز، ۱۳۷۶: ۲۲۰).	۳
قرن ۷	علی بن عثمان اردبیلی؛ صاحب اثر (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۱۴/۲).	۴
قرن ۸	شیخ نجم‌الدین اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۳۱۶/۲).	۵
قرن ۸	محتی اردبیلی (سام‌میرزا، ۱۳۸۴: ۱۴۵).	۶
قرن ۸	شمس‌الدین محمد لطیفی اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۲۴۸/۲).	۷
قرن ۹	کمال‌الدین حسین بن خواجه شرف‌الدین عبدالحق متخلص به الهی (خوانساری، ۱۴۱۱: ۱۸۵/۴).	۸
احتمالا قرن ۹	اویس بن محمد (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۰۸/۱).	۹
قبل از قرن ۸	عماد‌الدین ابوالمظفر محمد بن عمر بن احمد بن محمد اردبیلی (ابن فوطی، ۱۹۶۳: ۳۲۵/۴).	۱۰
اواخر قرن ۹	وارثی اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۳۴۴/۲).	۱۱

جدول ۹: ادبا و نحوین

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن ۷	جمال‌الدین محمد بن عبدالغنی اردبیلی-النحوی؛ صاحب تالیفات (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۱۵/۱۳).	۱
قرن ۶ و ۷	سعدالدین وراوینی (وراوی نام قدیم مشگین شهر است) صاحب اثر (یاقوت، ۱۹۹۵: ۳۷۰/۵).	۲
قرن ۸	محمد اردبیلی (شارح قصیده مقصوده ابن درید) (موسوی، ۱۳۷۹: ۲۳۸/۲).	۳

جدول ۱۰: خطبا

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن ۸	عارف اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۲۱۷/۱؛ تربیت، بی تا: ۲۵۱).	۱
قرن ۸	شمس‌الدین محمد بن مظفر «خطیب خلخالی»؛ صاحب آثار (السیوطی، بی تا(الف): ۱۰۶؛ ابن عماد، بی تا(الف): ۱۴۴/۶؛ بغدادی، بی تا(ب): ۱۵۳/۲؛ بغدادی، بی تا(الف): ۳۳۴/۱؛ حاجی خلیفه، بی تا: ۱۸۵۵/۲).	۲

جدول ۱۱: فلاسفه

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن ۷	افضل‌الدین محمد بن نام‌آور بن عبدالملک خونجی؛ صاحب تالیفات (ابن ابی اصیبعه، بی تا: ۵۸۶).	۱
قرن ۸	تاج‌الدین علی بن عبدالله بن ابی الحسن بن ابی بکر اردبیلی (ابن حجر، ۱۳۸۵ق: ۷۲/۳).	۲
قرن ۸	ابو جعفر محمد بن موسی اردبیلی؛ صاحب اثر (آقابزرگ الطهرانی، ۱۴۰۳: ۲۴۱/۲۰).	۳
قرن ۹	محمد بن احمد بن محمد بن هلال بن ابراهیم اردبیلی قاهری (سخاوی، ۱۴۱۲: ۷/ ۹۸؛ بغدادی، بی تا(الف): ۴۶۶/۲).	۴

جدول ۱۲: ریاضیدانان

دوره زمانی	عنوان	ردیف
قرن ۷	شرف‌الدین ابی شرف‌الدین ابو عبدالله اردبیلی (صفدی، ۱۴۲۰: ۲۶۴/۲).	۱
؟	موفق‌الدین ابو نصر عبدالمحسن بن عبدالله بن ابی اسحاق اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۰۰/۲).	۲
قرن ۸	تاج‌الدین علی بن عبدالله بن ابی الحسن بن ابی بکر اردبیلی (ابن حجر، ۱۳۸۵ق: ۷۲/۳؛ السیوطی، بی تا(الف): ۳۳۹؛ حاجی خلیفه، بی تا: ۶۲۶؛ السبکی، بی تا: ۱۴۶/۶).	۳

جدول ۱۳: قضات

ردیف	عنوان	دوره زمانی
۱	ابو محمد بن عبدالله بن علی بن عبدالله اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۹۵/۲).	قرن ۵
۲	ابوالفرج بن عبدالرحمان اردبیلی (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۳).	قرن ۶
۳	عمادالدین احمد بن اسماعیل کاکلی اردبیلی (ابن فوطی، ۱۹۶۳: ۶۵۵/۲).	؟
۴	عطاءالله بن قاضی علاءالدین منصور کاکلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۰۸/۲).	به احتمال قرن ۷
۵	خواجه نجم‌الدین بن شمس‌الدین خطیبی اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۳۱۶/۲).	قرن ۸
۶	اسحاق اردبیلی؛ صاحب اثر (کخّاله، ۲۲۹/۲).	حدود قرن ۹
۷	اویس بن محمد (موسوی، ۱۳۷۹: ۱۰۸/۱).	به احتمال قرن ۹

جدول ۱۴: مدرسان اردبیلی در مراکز علمی جهان اسلام

ردیف	عنوان	زمان / مکان
۱	محمد بن احمد بن محمد ابوالفضل اردبیلی (السبکی، بی تا: ۱۵۴/۵).	قرن ۷؛ مدرسه کمالیه بغداد
۲	ابو محمد نورالدین فرج بن محمد بن ابی‌الفرج اردبیلی (النعمی، ۱۴۱۰: ۱۷۲/۱).	قرن ۸؛ در مراکز علمی دمشق؛ مدارس ظاهریه البرانیه؛ جاروخیه؛ ناصریه جوانیه
۳	تاج‌الدین امام علی بن عبدالله بن ابی‌الحسن بن ابی‌بکر اردبیلی (ابن عماد، بی تا: ۲۵۶/۸؛ ابن تغری، بی تا: ۱۴۵/۱۰).	قرن ۸؛ در مراکز علمی بغداد و قاهره؛ مدرسه امیر حسام‌الدین طرنطای المنصوری قاهره
۴	شمس اردبیلی (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۴۹/۱۴).	قرن ۸؛ مدرسه جاروخیه دمشق
۵	الشیخ تاج‌الدین (النعمی، ۱۴۱۰: ۸۸/۱).	قرن ۸؛ مدرس در دارالحدیث ناصریه دمشق
۶	عزالدین عمر اردبیلی (النعمی، ۱۴۱۰: ۳۶/۱).	قرن ۸؛ مدرسه جاروخیه دمشق
۷	بدرالدین محمود بن عبیدالله اردبیلی (الحلبی، ۱۴۱۷: ۱۶۸/۲).	قرن ۹؛ جلسات درس در مسجد جامع حلب
۸	کمال‌الدین محمد بن میر جمال‌الدین بن قلی درویش اردبیلی (موسوی، ۱۳۷۹: ۲۲۶/۲).	قرن ۹؛ مدرسه رواجیه حلب
۹	محمد بن الشیخ ادریس اردبیلی (الحلبی، ۱۴۱۷: ۱۸۶/۲).	قرن ۹؛ مدرس در حلب
۱۰	شیخ بدرالدین محمود بن عبیدالله اردبیلی (الحلبی، ۱۴۱۷: ۱۸۶/۲).	قرن ۹؛ مدرس در حلب
۱۱	احمد بن عبیدالله بن عوض بن محمد شهاب بن جلال بن تاج اردبیلی؛ شیروانی القاهری (سखाوی، ۱۴۱۲: ۳۷۶/۱).	قرن ۹؛ مدرسه ایتمشیه و ابوبکریه و ام‌السلطان قاهره

۱۲	محمد بن احمد بن محمد بن هلال بن ابراهیم اردبیلی قاهری (الحلبی، ۱۴۱۷: مدرس در قاهره ۹۸۷/).
۱۳	شیخ علامه علاء الدین ابوالحسن علی بن قاسم اردبیلی (مجیرالدین، ۱۳۸۸ق: خلیل الرحمن (ع) اردن ۲۱۲/۲).
۱۴	افضل الدین محمد بن نام آور بن عبدالملک خونجی (ابن ابی اصیبه، بی تا: ۵۸۶).
۱۵	شیخ فرج الله اردبیلی (ابن عماد جنبلی، بی تا: ۱۰۴/۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۸۵ق: ۴۸۴/۵).

رحله های علمی

علاوه بر فرازونشیب های سیاسی، با توجه به اینکه مراکز علمی منطقه رونق چندانی نداشته و جاذبه ای برای حضور علمای مناطق دیگر نداشت، برای کسب علم دست به مهاجرت می زدند. بخش دیگری از این رحله های علمای اردبیل، به دنبال حمله مغول و ویرانی مراکز علمی بود. به علت تخریب و افول حوزه های علمی شرق جهان اسلام و با توجه به پیروزی دولت اسلامی ممالیک در مقابله با مغولان و رونق مراکز علمی قاهره و حلب و دمشق، یعنی مناطق تحت نفوذ ممالیک، به آن مناطق مهاجرت می کردند و تعدادی از آنان، صاحب کرسی تدریس و جلسات آموزش و بحث بودند. در ذیل به مناطق و تعداد افرادی که به این مناطق مهاجرت کرده اند، اشاره می کنیم:

از موضوعات درخور توجه در تمدن اسلامی، رحله ها و مسافرت هایی است که علما و دانشمندان برای فراگیری علوم انجام می دادند. بعضی از مناطق به واسطه دارابودن مراکز علمی معتبر و دانشمندان صاحب نام، در کانون توجه تعداد بیشتری از علما و مشاهیر مناطق دیگر بود؛ از جمله حوزه های درسی بغداد، نیشابور و دمشق. علما و دانشمندان اردبیل همانند دانشمندان سایر مناطق، برای کسب دانش و برخورداری از امکانات مراکز علمی معتبر، اقدام به سفر و اقامت در آن شهرها می کردند. تا قبل از حمله مغول و در دوران شکوفایی مراکز علمی مانند بغداد، علمایی از اردبیل به این منطقه می رفتند و در آنجا سکنی می گزیدند و گاه از چهره های علمی محسوب می شدند.

ردیف	مکان	تعداد
۱	بغداد	۱۱ نفر
۲	قاهره	۷ نفر
۳	دمشق	۶ نفر
۴	حلب	۳ نفر
۵	موصل	۱ نفر
۶	اردن	۱ نفر

۷	اصفهان	۱ نفر
۸	شیراز	۱ نفر
۹	مکه	۴ نفر
۱۰	مسجد الاقصی	۱ نفر
۱۱	نیشابور	۳ نفر
۱۲	خراسان	۲ نفر
۱۳	کوران اسفراین	۱ نفر
۱۴	ماوراءالنهر	۱ نفر
۱۵	دهلی	۲ نفر
۱۶	عثمانی	۳ نفر

حضور شخصیت‌های علمی مناطق دیگر در اردبیل

طبیعی است که حضور شخصیت‌های علمی مناطق دیگر می‌توانست رونق و غنای مراکز علمی منطقه را باعث شود. تنها اشاره‌ای به تعدادی از چهره‌های علمی که برای مدت کوتاهی در اردبیل اقامت داشته یا از منطقه عبور کرده‌اند، شده‌است. از بارزترین شخصیت‌هایی که وارد اردبیل شده‌اند، می‌توان به این افراد اشاره کرد: حکیم سعدالدین نزاری بیرجندی قهستانی از شاعران معروف قرن هفتم قمری (صفا، ۱۳۵۷: ۱۳۰/۲)، شیخ ابوالکارم رکن‌الدین علاءالدوله بیابانکی سمنانی از بزرگان صوفیه و از شاعران و نویسندگان قرن هفتم و هشتم قمری (صفا، ۱۳۵۷: ۱۴۲/۲)، نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهوار

الاسدی‌الرازی معروف به دایه و متخلص به نجم، از صوفیان مشهور نیمه اول قرن هفتم و از جمله نویسندگان معروف (صفا، ۱۳۵۷: ۲۱۲/۲)، ابوحامد اندلسی و علاءالدین عطاملک جوینی که چندین بار در رکاب مغولان وارد اردبیل و ولایات آن شدند (صفا، ۱۳۵۷: ۱۴۲/۲).

آثار و تألیفات دانشمندان اردبیل

برخی از دانشمندان و علمای این منطقه صاحب تالیفاتی بوده‌اند که گاه از آثار فاخر و در کانون توجه محافل علمی بوده‌است (مستندات این قسمت در جداول پیشین اشاره شده‌است)

ردیف	عنوان	تالیفات
۱	جمال‌الدین یوسف بن امام عزالدین ابراهیم اردبیلی	صاحب کتاب الازهار فی شرح المصابیح بغوی؛ الانوار الاعمال الابرار در فقه شافعی.
۲	تاج‌الدین علی بن عبدالله بن ابی‌الحسن بن ابی‌بکر اردبیلی	کتاب بزرگی را در احکام گردآوری کرده و علوم حدیث ابی‌الصلاح را تلخیص و احادیث میزان ذهبی را تنقیح کرده و براساس ابواب فقهی در تفسیر قرآن مجید و علم حدیث و

	اصول کتاب تصنیف کرد.	
۳	صاحب کتاب حقایق الاصول فی شرح منهاج الوصول بیضاوی در اصول فقه؛ شرح قطعه‌ای از منهاج الطالبین در فروع شافعی.	ابو محمد نورالدین فرج بن محمد بن احمد بن ابی الفرج اردبیلی
۴	مؤلف کتاب صفوه الصفا.	ابن بزّاز
۵	از آثار وی تفسیر کبیر در چند مجلد؛ احاسن الکرام؛ اربعون حدیث فی امورالدین.	بشیر بن حامد بن سلیمان اردبیلی
۶	صاحب کتاب انیس القلوب و غایه المطلوب در ادعیه و اذکار.	اسماعیل بن احمد بن محمد بدری اردبیلی
۷	دارای آثاری همچون حاشیه بر انوار التنزیل بیضاوی در تفسیر؛ الانوار در فقه شافعی؛ شرح انموذج زمنخسری در نحو؛ رساله القلمیه.	جمال الدین محمد بن عبدالغنی اردبیلی
۸	صاحب آثاری همچون شرح مصابیح امام بغوی به عنوان تنویر؛ شرح مفتاح العلوم سکاکی؛ شرح مختصر المنتهی و مختصر ابن الحاجب؛ شرح تلخیص المفتاح قزوینی در معانی و بیان.	خطیب خلخالی
۹	صاحب کتاب‌های موجز؛ جمل و کشف الاسرار که هر سه از کتاب‌های مهم منطق محسوب شده و علما شروع و تعلیقات بسیاری بر آنها نوشته‌اند. از دیگر تالیفات وی شرحی است بر کلیات قانون ابن سینا؛ رساله‌ای در دور وصایا دارد که در آن یکی از مسائل پیچیده ارثی را حل کرده است.	افضل الدین محمد بن نام آور بن عبدالملک خونجی
۱۰	صاحب رساله علی الاشباه و النظائر.	اسحاق اردبیلی
۱۱	صاحب کتاب فوائد.	ابو محمد بن عبدالله بن علی بن عبدالله اردبیلی
۱۲	مؤلف کتابی در علم بدیع به نام البدیعیه.	علی بن عثمان اردبیلی
۱۳	صاحب کتاب وصول الغمر الی اصول قرآنه ابی عمر.	شیخ علامه علاء الدین ابوالحسن علی بن قاسم اردبیلی
۱۴	صاحب تالیفات نزهه الاخبار فی ابتداء الدنیا و قدر القوی الجبار؛ نبذه فی ذکر النیل و عجائبه؛ مختصر کشف الغمه فی معرفه الاثمه.	علاء الدین علی بن عیسی اردبیلی
۱۵	صاحب تالیفی در زمینه تفسیر.	احمد بن محمد بن مزید اردبیلی
۱۶	صاحب تالیفات الشافی فی الاخلاق؛ اسرار الحکمه در حکمت عملیه؛ مداوات النفوس در حکمت عملیه.	ابو جعفر محمد بن موسی اردبیلی
۱۷	صاحب کتاب وسیله المتعبدين فی سیره سید المرسلین.	عمر بن محمد بن خضر اردبیلی
۱۸	مترجم کتاب مرزبان نامه از زبان طبری به زبان فارسی.	سعدالدین وراوینی

نقش تربیتی دانشمندان اردبیل

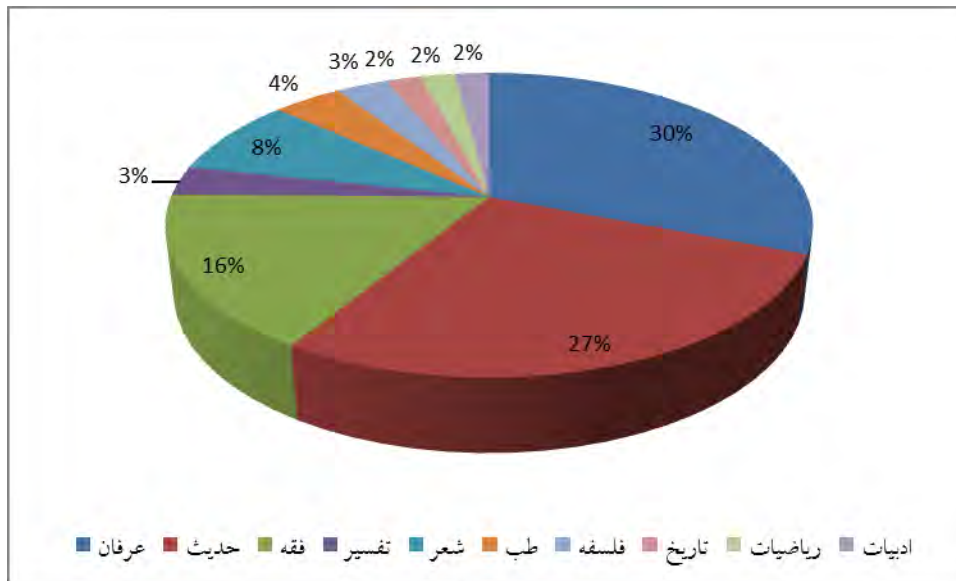
مناطق مختلف بودند، شاگردانی در محضر آن‌ها حضور می‌یافتند؛ همچنین به نقل حدیث از برخی محدثان اردبیلی اشاره‌ای کوتاه شده‌است. در این میان، شیوخ خانقاه شیخ صفی‌الدین نیز در تربیت شاگردان در زمینه عرفان و تصوف تاثیرگذار بوده‌اند.

در ارتباط با نقش دانشمندان اردبیل در تربیت شاگردان، اطلاعات بسیار اندکی در منابع وجود دارد. در این میان، به اسامی شاگردان و چگونگی ارتباط آنان با اساتید اشاره‌ای نشده‌است. تنها از برخی عبارت‌ها می‌توان دریافت که آن دسته از دانشمندان اردبیل که صاحب کرسی تدریس در مراکز علمی

ردیف	عنوان	نقش تربیتی
۱	شرف‌الدین اردبیلی	جمع کثیری از محضر او استفاده می‌کردند.
۲	ابوعیاش اردبیلی	جعفر بن محمد اردبیلی از وی روایت نقل کرده‌است.
۳	ابوتراب عبدالباقی بن یوسف نیریزی	در نیشابور صاحب کرسی بود.
۴	احمد بن طاهر اردبیلی	از وی احادیثی نقل شده‌است.
۵	بشیر بن حامد اردبیلی	عده‌ای از او روایت کرده‌اند.
۶	خواجه کمال‌الدین عربشاه اردبیلی	مراد و مرشد شیخ سید امین‌الدین جبرائیل، پدر شیخ صفی‌الدین.
۷	ابوموسی اردبیلی	از مشایخ صوفیه بوده‌است.
۸	شیخ صفی‌الدین اردبیلی	افراد بسیاری از سراسر سرزمین‌های اسلامی برای درک محضر شیخ روانه اردبیل شدند.
۹	صدرالدین موسی، فرزند شیخ صفی‌الدین	علوم دینی و تفسیر قرآن تدریس می‌کرد.
۱۰	خواجه علی سیاهپوش	به ارشاد خلاق اشتغال داشت.
۱۱	شیخ ابراهیم، شیخ جنید، شیخ حیدر	رهبری معنوی و سیاسی و اجتماعی مریدان و منطقه نفوذ خود را عهده‌دار شدند؛ تاجایی که بزرگ‌ترین چهره علمی و معنوی غیر صفوی اردبیل در قرن نهم و دهم قمری، یعنی خواجه کمال‌الدین حسین الهی اردبیلی، در جوانی تحت تربیت شیخ حیدر واقع شد و سپس به اشاره شیخ حیدر به استادان دیگر مراجعه کرد.
۱۲	تمام مدرسان و اساتیدی که در جدول شماره ۱۴ به آن‌ها اشاره شده‌است.	مدرسان اردبیلی که در مدارس و مراکز علمی مناطقی همچون بغداد، دمشق، حلب و قاهره مشغول تدریس و تربیت شاگردان بودند.

تحلیل نمودار

سهم اندیشمندان اردبیل در علوم دینی و غیردینی



سر تصاحب منطقه و حملات اقوام مختلف از ابتدای ورود اسلام تا سرتاسر دوره موضوع بحث، باعث شده بود تا عمده توان دولت‌های منطقه صرف مقابله با گروه‌های رقیب و دفع حملات باشد. شاید بتوان گفت همین امر به نوعی امنیت سیاسی منطقه را تهدید می‌کرد. آرامش لازم و پایدار برای اهالی وجود نداشت و مردم مدام شاهد نزاع‌ها و لشکرکشی‌ها بودند. امری که در بیشتر مناطق ایران در دوره‌های مختلف وجود داشته است. در بُعد درونی، باید توجه کرد که اردبیل از حیث فعالیت‌های علمی و تعلیمی و تربیتی از سابقه دیرینه برخوردار بوده است (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۵۲/۱)؛ اما در دوره اسلامی، مراکز علمی اردبیل در مقایسه با مراکز علمی مناطقی همچون خراسان، سمرقند، بخارا، نیشابور، بلخ، مرو، هرات، نسف، فارس، اصفهان، جرجان و ری نام و آوازه و شهرتی نداشته است. حضور تعداد کثیری از علما و دانشمندان در این مناطق، با استناد به منابع رجال و تراجم و زندگی‌نامه‌های محلی، اثبات‌کردنی است. این بدان معنا نیست که اردبیل مراکز علمی نداشته یا فاقد چهره‌های علمی بوده است؛ ولی در مقایسه با کانون‌های

با توجه به نمودار فوق، نخست می‌توان دریافت که عمده فعالیت دانشمندان منطقه در زمینه علوم دینی و به ترتیب در حوزه‌های عرفان و تصوف، حدیث، فقه و تفسیر متمرکز بوده است. در حوزه علوم غیردینی نیز در زمینه شعر، طب، فلسفه، تاریخ، ریاضیات و ادبیات به مطالعه و پژوهش پرداخته‌اند؛ اما در مجموع باید گفت که دانشمندان اردبیل در رشد و بالندگی علوم اسلامی، به‌ویژه عرفان و حدیث، نقش بیشتری داشته و با فعالیت در این حوزه و تألیف آثار و تربیت شاگردان بر غنای این دسته از علوم افزوده‌اند.

دوم در بحث از وضعیت فرهنگی اردبیل و جایگاه این منطقه در تمدن اسلامی، با توجه به کمبود اطلاعات، نمی‌توان به تفصیل و به صورت جزئی و عینی درباره عوامل تاثیرگذار اظهار نظر کرد. به نظر می‌رسد که در بررسی این موضوع، باید به دو دسته عوامل بیرونی و درونی توجه کرد. در بُعد بیرونی، باید به موقعیت جغرافیایی و وضع سیاسی منطقه اشاره کرد. به علت موقعیت ژئوپولیتیک منطقه در ادوار مختلف، این سرزمین معبر اقوام و گروه‌های بسیار بوده است. رقابت بر

اردبیل، به علت نبود ثبات سیاسی و از سوی دیگر پویانبودن مراکز علمی اردبیل و نیز جاذبه‌های مراکز علمی بزرگ و ضرورت انجام رحله‌های علمی، مهاجرت‌هایی به مناطق مختلف صورت گرفت. در شرق جهان اسلام، حمله مغول ویرانی شهرها و تخریب مراکز علمی را به دنبال داشت؛ اما دولت ممالیک در غرب جهان اسلام توانست حملات مغولان را متوقف کند. پس از آن، منطقه شام و مصر در اختیار دولت ممالیک باقی ماند. در فاصله قرون هفتم تا نهم قمری، حضور تعدادی از رجال و دانشمندان اردبیل در مراکز علمی حلب و دمشق و قاهره و در اختیارداشتن کرسی تدریس و تعلیم و ذکر نام برخی از آنان در تواریخ محلی این مناطق، از مهاجرت نخبگان اردبیل به این مناطق حکایت دارد.

نتیجه

حدود دو قرن بعد از ورود اسلام به ایران، به علت سیاست خلفا، ایرانیان در مناسبات سیاسی و فرهنگی نقش چندانی نداشتند. با آغاز خلافت عباسیان و نفوذ ایرانیان در دستگاه خلافت، روند شکل‌گیری تمدن اسلامی وارد مرحله جدیدی شد. ایرانیان به‌همراه سایر اقوام و ملل، در شکل‌گیری تمدن اسلامی تأثیرگذار بودند. مناطق مختلف ایران با توجه به وضع سیاسی و پیشینه فرهنگی در این امر سهیم بودند. با توجه به کمبود اطلاعات در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی، توجه به تراجم علما و دانشمندان می‌تواند در بررسی وضعیت فرهنگی مناطق مؤثر باشد. با بررسی تراجم دانشمندان اردبیل روشن می‌شود که عمده فعالیت‌های علمی علمای منطقه در زمینه عرفان و حدیث و فقه است. به تعبیری علمای اردبیل در رشد و بالندگی این دسته از علوم اسلامی سهیم بوده‌اند. هرچندکه در سایر علوم نیز فعالیت‌هایی صورت گرفته است. در مجموع موقعیت ژئوپولیتیک منطقه، کشمکش‌های مدعیان قدرت در ادوار

علمی مهم جهان اسلام که محل اجتماع اندیشمندان بوده‌اند، مراکز علمی این منطقه در حوزه‌های مختلف در رتبه پایین‌تری قرار داشته‌است. اینکه عمده آثار تألیف‌شده، در حدود ۶۰ درصد را آن دسته از دانشمندان اردبیل که در مراکز علمی خارج از منطقه فعالیت داشته، به نگارش درآورده‌اند و نیز فعالیت مدرسان و استادان معروف و نامدار اردبیلی در مراکز علمی مناطق مختلف، دلیلی بر این مدعاست. البته از قرن هشتم قمری، فعالیت خانقاه شیخ‌صافی‌الدین به‌عنوان مرکزی علمی و نقش شیوخ آن در تربیت شاگردان در زمینه عرفان و تصوف موجب رونق و پیشرفت این شاخه از علوم اسلامی در اردبیل شد.

اشاره شد که تنها تعداد معدودی از دانشمندان به این منطقه سفر کرده‌اند، آن هم به‌صورت موقت و گذرا. درحالی‌که در مراکز علمی مهم، با مهاجرت بسیاری از دانشمندان مناطق مختلف به آن مراکز، بر غنای علمی آن کانون‌ها افزوده شده‌است. همچنین ذکر نکردن شرح احوال علمای این منطقه توسط نویسندگان تراجم، گواه آن است که این منطقه با مراکز علمی محدود خود، به فعالیت ادامه می‌داده‌است؛ چراکه در صورت داشتن کانون‌های علمی فعال و علمای سرشناس، به‌طور حتم دانشمندان مناطق دیگر در این سرزمین توطن می‌گزیدند. در مقابل، نویسندگان به آن دسته از دانشمندان اردبیل که در مراکز علمی خارج از منطقه حضور یافتند و برخی از آنان از چهره‌های برجسته علمی به حساب می‌آمدند، اشاره کرده‌اند. حضور دانشمندان اردبیل در مراکز علمی مطرح آن زمان و تألیف آثار ارزشمند و تعامل با دانشمندان دیگر و شهرت آنان باعث شد که بخشی از شناخت ما از مشاهیر اردبیل، از طریق تواریخ محلی این مناطق باشد. دسته‌ای از رحله‌های علمای اردبیل مربوط به قبل از حمله مغول است. با آغاز فترت دستگاه خلافت و رقابت میان امرا و حاکمان سلسله‌های محلی، از جمله در

مختلف و نبود ثبات سیاسی از یک سو و رونق نداشتن و پویانبودن مراکز علمی منطقه در حوزه‌های مختلف علوم و برخوردار نبودن از جاذبه برای جذب دانشمندان مناطق دیگر از سوی دیگر و نیز رحله‌های علمی فراوان دانشمندان بر وضعیت فرهنگی اردبیل تأثیرگذار بوده‌است.

پی نوشت

۱. اردبیل با مساحت ۱۸ هزار کیلومتر مربع به‌طور تقریبی، ۱/۰۹ درصد از مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده‌است. به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای اسلامی، در سال ۱۳۷۲ استان اردبیل از استان آذربایجان شرقی جدا شد و به‌عنوان استانی مستقل مشتمل بر شهرستان‌های اردبیل، بیله‌سوار، پارس‌آباد، خلخال، گرمی، مشکین، نمین در تقسیمات کشوری جای گرفت. گفتنی‌است که گستره مکانی (جغرافیایی) این پژوهش مناطق فعلی استان اردبیل را دربرمی‌گیرد.

کتابنامه

کتاب های فارسی

- آقابزرگ الطهرانی، (۱۴۰۳)، الذریعه، بیروت: دارالاضواء.
- ابن ابی‌اصیبیه، (بی‌تا)، عیون‌الانباء فی طبقات‌الاطباء، بیروت: دارمکتبه‌الحیاه.
- ابن ابی‌الوفاء، (۱۴۱۳)، الجواهر‌المضیئه فی طبقات‌الحنفیّه، ریاض: حلو.
- ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۸۵ق)، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر-داربیروت.
- ، (بی‌تا)، اللباب، بیروت: دارصادر.
- ابن‌بزاز اردبیلی، درویش توکل، (۱۳۷۶)، صفوه‌الصفاء، تهران: زریاب.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین، (بی‌تا)، النجوم‌الزاهره، قاهره: الموسسه‌المصریه‌العامة.
- ابن جوزی، ابوالفرج، (۱۴۱۲)، المنتظم، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۳۸۵ق)، الدرر‌الکامنه فی اعیان‌الماء‌الثامنه، بی‌جا: دارالکتب‌الحدیثه.
- ابن‌العَدِیم، کمال‌الدین عمر، (۱۴۰۸)، بغیة‌الطلب فی تاریخ حلب، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌العماد‌الحنبلی، عبدالحی، (بی‌تا)، شذرات‌الذهب، بیروت: داراحیاء‌التراث‌العربی.
- ابن‌فوطی، کمال‌الدین ابوالفضل، (۱۹۶۳)، تلخیص مجمع‌الآداب فی معجم‌اللقاب، دمشق: المطبعه‌الهاشمیه.
- ابن‌کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷)، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌المستوفی، شرف‌الدین، (۱۹۸۰)، تاریخ اربل، عراق: دارالرشید للنشر.
- اسنوی، عبدالرحیم، (۱۴۲۲)، طبقات‌الشافعیه، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.
- الاصبهانی، الحافظ، (۱۹۳۴)، ذکر اخبار اصبهان، لیدن: بریل.
- اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۶۴)، تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری، تهران: امیرکبیر.
- البغدادی، اسماعیل‌باشا، (بی‌تا: الف)، ایضاح‌المکنون، بیروت: داراحیاء‌التراث‌العربی.
- ، (بی‌تا: ب)، هدیة‌العارفین، بیروت: داراحیاء‌التراث‌العربی.
- بغدادی، خطیب، (۱۴۱۷)، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.
- البلاذری، احمد بن یحیی، (۱۹۸۸)، فتوح‌البلدان، بیروت: دار و مکتبه‌الهلال.
- بنداری، فتح‌بن‌علی، (۱۳۵۶)، زبده‌النصر و نخبه‌العصر، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.

- بیات، عزیزالله، (۱۳۷۰)، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، تهران: میراث ملل.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۷۷)، آثارالباقیه، ترجمه دانا سرشت، تهران: امیرکبیر.
- پاشازاده، محمدعارف، (۱۳۵۲)، وقایع‌السنین و الاعوام، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ترابی طباطبایی، جمال، (۱۳۵۵)، آثار باستانی آذربایجان، تهران: بی‌نا.
- تربیت، محمدعلی، (بی‌تا)، دانشمندان آذربایجان، تبریز: بنیاد کتابخانه فردوسی.
- جوینی، عظاملک، (۱۳۸۷)، جهانگشای جوینی، تهران: هرمس.
- حاجی خلیفه، مصطفی، (بی‌تا)، کشف‌الظنون، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حافظ ابرو، عبدالله، (۱۳۸۰)، زبده‌التواریخ، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- الحسینی، صدرالدین، (۱۹۳۳)، اخبارالدوله السلجوقیه، لاهور، بی‌نا.
- الحسینی، عبدالحی، (۱۳۸۳ق)، نزهة‌الخواطر، حیدرآباد: دائره‌المعارف‌العثمانیه.
- حکمت، علی‌رضا، (۱۳۶۴)، آموزش و پرورش در ایران باستان، تهران: سمت.
- الحلبی، سبط‌بن‌العجمی، (۱۴۱۷)، کنوزالذهب فی تاریخ حلب، حلب: دارالقلم.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، (۱۳۸۰)، تاریخ حبیب‌السیر، تهران: خیام.
- خوانساری، محمدباقر بن زین‌العابدین، (۱۴۱۱)، روضات‌الجنات فی احوال‌العلماء و السادات، بیروت: دارالاسلامیه.
- ذهبی، شمس‌الدین، (۱۴۱۳)، تاریخ‌الاسلام، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ، (۱۹۹۳)، سیر اعلام‌النبلاء، بیروت: لموسسه‌الرساله.
- ، (بی‌تا)، تذکره‌الحفاظ، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- راغب، محمد، (بی‌تا)، سفینه‌الراغب، قاهره: دارالطباعه.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم، (۱۹۸۴)، التدوین فی اخبار قزوین، حیدرآباد: مطبعه‌العزیزیه.
- روملو، حسن‌بیگ، (۱۳۸۴)، احسن‌التواریخ، تهران: اساطیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۶)، کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر.
- السبکی، عبدالوهاب، (بی‌تا)، طبقات‌الشافعیة الکبری، بیروت: داراحیاء‌الکتب العربیه.
- سखाوی، شمس‌الدین، (۱۴۱۲)، الضوء‌اللامع، بیروت: دارالجيل.
- سمرقندی، عبدالرزاق، (۱۳۸۳)، مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- سمرقندی، دولت‌شاه، (۱۳۳۷)، تذکره‌الشعراء، تهران: بی‌نا.
- السمعانی، عبدالکریم، (۱۳۸۲ق)، الانساب، حیدرآباد: دائره‌المعارف‌العثمانیه.
- السهمی، حمزه‌بن‌یوسف، (۱۴۰۷)، تاریخ جرجان، بیروت: عالم‌الکتب.
- سیوطی، عبدالرحمن، (بی‌تا: الف)، بغیه‌الوعاه، صیدا: المكتبة‌العصریه.
- ، (بی‌تا: ب)، طبقات‌المفسرین، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.
- ، (۱۴۱۸)، حسن‌المحاضره، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.
- ، (۱۹۲۷)، نظم‌العقیان فی اعیان‌الاعیان، نیویورک: المطبعه‌السوریه‌الامریکیه.
- سیوری، راجر، (۱۳۷۲)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.

- . صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۵۷)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: امیرکبیر.
- . الصفدی، صلاح‌الدین خلیل‌بن‌ایبک‌بن‌عبدالله، (۱۴۲۰)، الوافی‌بالوفیات، بیروت: داراحیاء التراث.
- . صفوت، محمدعلی، (۱۳۹۴)، تاریخ فرهنگ آذربایجان، تهران: سمیر.
- . الطبری، محمدبن‌جریر، (۱۳۸۷ق)، تاریخ‌الامم و الملوک، بیروت: دارالتراث.
- . عبدالله‌زاده ملکی، جمشید، (بی‌تا)، اردبیل: شهر مقدس.
- . قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، تهران: امیرکبیر.
- . قنوت، عبدالرحیم، (۱۳۹۳)، تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم)، قم و تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- . مستوفی قزوینی، حمدالله، (۱۳۳۹)، تاریخ‌گزیده، تهران: امیرکبیر.
- . مجیرالدین الحنبلی، (۱۳۸۸ق)، الانس‌الجلیل بتاریخ‌القدس و الخلیل، نجف: الحیدریه.
- . مسکویه، ابوعلی، (۱۳۷۹ش)، تجارب‌الامم، تهران: سروش.
- . المسعودی، علی‌بن‌الحسین، (۱۴۰۹)، مروج‌الذهب، قم: دارالهجره.
- . مقدسی، ابو عبدالله محمد، (۱۴۱۱)، احسن‌التقاسیم، قاهره: مکتبه مدبولی.
- . منشی قزوینی، بوداق، (۱۳۸۷)، جواهر الاخبار، تهران: میراث مکتوب.
- . موسوی ننه‌کران، فخرالدین، (۱۳۷۹)، تاریخ اردبیل و دانشمندان، اردبیل: شیخ‌صفی.
- . میرخواند، محمد بن‌خاوندشاه، (۱۳۸۵)، روضه‌الصفاء، تهران: اساطیر.
- . النعیمی، عبدالقادر، (۱۴۱۰)، الدارس فی تاریخ‌المدارس، بیروت: دارالکتب‌العلمیه.
- . نیشابوری، ظهیرالدین، (۱۳۳۲)، سلجوقنامه، تهران: کلاله خاور.
- . یاقوت‌الحموی، شهاب‌الدین، (۱۹۹۵)، معجم‌البلدان، بیروت: دارصادر.
- . یزدی، شرف‌الدین، (۱۳۳۶)، ظفرنامه، تهران: امیرکبیر.
- ### مقالات
- . جعفریان، رسول، (۱۳۸۹)، تاریخ فرهنگی و اجتماعی مرکز ایران در نیمه قرن دهم هجری (براساس خلاصه‌الاشعار)، www.khabaronline.ir/weblog/jafarian
- . جوادی، سیدمهدی، (۱۳۸۳)، «اوضاع فرهنگی آذربایجان، ارژان و ارمینیه در قرون نخستین اسلامی»، تاریخ در آینه پژوهش، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۳۲ تا ۴۵.
- . عبدالمعطی الصیاد، فواد، (۱۳۷۳)، «نقش ایرانیان در بنای تمدن اسلامی»، مترجم سیدحسین سیدی، مشکوه، قم: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۶۸ تا ۸۵.
- ### کتاب‌های لاتین
- . Snowman, Daniel, (2014), Historical Biography, London, History Today, Vol.64, Issue 11, 52-56
- . Sabirov, Askadula Galimzyanovich, (2015), Heuristic Potentials of Biographical Method in Historical and Philosophical Studies, Rome, Mediterranean Journal of Social Sciences, vol 6, No 3 s3,249-254